

بیانیه مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پیروز باد مبارزه خلق در راه سرنگونی

رژیم جمهوری اسلامی ایران! در صفحات ضمیمه

تظاهرات پرخروش مردم جنوب تهران علیه جنگ، علیه رژیم

می کردند. حمله اصلی نیروهای مسلح پس از ساعت هفده از ظهر روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ماه در حالی آغاز شد که گروه کثیری از مردم در خیابانهای مختلف و حوالی پلهوای و روی پل به شعار دادن و دعوت از غابریئیل تومبیلها به شرکت و حمایت از تظاهرات مشغول بودند. در میان مهاجمین کمیته و سپاه تنها قریب ۵۰۰ تن از جماعت داران موشورسوار جای داشتند و تیراندازی به سوی مردم از همان لحظات اولیه تهاجم آغاز شد. مردم از همان لحظات اولیه تهاجم آغاز شد. بقیه در صفحه ۲

مردم جنوب تهران علیه استمکار رژیم خمینی، بیخاستند و با پای سدا ران از حرکت ایستادند. در حالی که در آنجا آهنگها می زدند، مردم خسته از جنگ و خون ریزی روز چهارشنبه بیست و یکم فروردین ماه در کوی سیزدهم آبان تهران با شعارهای "جنگ جنگ کوپریوزی و شعار علیه شخص خمینی و خلافت و یه خیا با نها ریختند و نمایش شکوهمندی از عزم و اراده خلق در مبارزه با جنگ رژیم خمینی آفریدند. در این تظاهرات با شعله و صدا شعارها را می زدند و در کنار مردم و به همراه آنها نوا می زدند و در هدا بیت و کلمه به تظاهرات کنندگان نوا می زدند. در این تظاهرات رژیم خمینی در محل به قتل رسید و مردم متأسفانه در اعتراض به این جنایت ضد بشری او با شان رژیم خمینی خیا با ریختند. از همان آغاز تظاهرات مردم از محلات اطراف یه سوی کوی سیزدهم آبان به حرکت درآمدند و دستجات سپاه و کمیته به مقابله پرداختند. دستهای یه سدا رحلی که قصد سرکوب تظاهرات را داشتند با کشتن شمشیر کین مردم از محل گریختند و تظاهرات کنندگان در حرکت در خیا با نهایی اصلی محله دادن شعار و حمل پلاکات در راهی توده ای علیه جنگ و رژیم خمینی پرداختند. در این تظاهرات شکوهمند بیست و هفتم تهران منعکس شد و از گوشه و کناره تهران گروهی از جوانان نویدگرا قشار مردم رهسپار جنوب شهر شدند. در حالی که تظاهرات هر لحظه گسترش می یافت ارگان های سرکوب رژیم در بی شکست اولیه خود را آماده تهاجم تازه خونینی

چهلمین

سالگرد پیروزی بر فاشیسم

پیروزی تاریخ ساز مردم شوروی و نیروهای صلح دوست جهان

امسال مردم جهان چهلمین سالگرد پیروزی بر فاشیسم هیتلری و میلیتاریسم ژاپن را با شعله تمام جشن می گیرند و در برابر بردلوریهای جاننا زانسه میلیونها زن و مرد که در پیکار حماسه ساز علیه فاشیسم خونخواران خود را از دست داده اند، سر تعظیم فرود می آورند. چهل سال قیاس در روز ۱۹ اردیبهشت (۹ ماه مه) با فتح برلن توسط ارتش سرخ شوروی، بشریت از کابوس هولناک فاشیسم رها می یابد و توطئه جاننا ییت با رنده ترین جناح انحطاطات امبرالیستی برای برگرداندن عقربهای تاریخ به عقب درهم شکسته شد.

جنگ دوم جهانی را امبرالیسم آلمان و همدستان آن به همه ملل تحمیل کردند. امبرالیسم برای نا بودی نخستین دولت سوسیالیستی جهان ها ترین نیروی ضربه ای خود، فاشیسم و میلیتاریسم را وارد میدان نمود. ارتش درنده خوی هیتلری که با دم هیرمنی فاشیسم و برتری نژادی تربیت یافته بود از امکانات عظیمی برخوردار بود، به اتحاد شوروی حمله برد. با این یورش خطر بسیار عظیم و مهیبی اتحاد شوروی را تهدید می نمود. امبرالیسم جنگ آفریز بود و تبهودا کیمیت شوروی پیروزیهای انقلاب اکسبر را تا ج ساخته بود. مردم شوروی و ارتش آن در برابر سرهمگین ترین آزمایش تاریخ و عظیم ترین مشکلات قرار گرفتند. هر رژیم بورژوازی همانطور که واقعیت نشان داد در برابر شکست جاننا ییت به وسعت از پای در می آید. بدون شک آنجاننا ییت به اندیشه بردازان امبرالیسم ادعا می کنند، وسعت بقیه در صفحه ۹

اعلامیه مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، اکثریت، علیه جنگ باخیزیم! صفحه ۲

پیام مشترک

کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران، اکثریت، بمناسبت اول ماه مه صفحه ۳

پیرامون قانون ارتجاعی

"شوراهای اسلامی کار"

در صفحه ۶

خلق برمی خیزد

روز چهارشنبه ۲۱ فروردین ۱۳۶۴، در کوی ۱۳ آبان در جنوب تهران زحمتکشان زجر دیده و ستم کشیده علیه رژیم، علیه جنگ، برای صلح بیخاستند و بیست و یکم خمینی را به لرزه افکندند. عمال حکومت سراسیمه و وحشت زده از غریبوتظا هر کنندگان انگشت در مانده مسلسل ها کشیدند و بارها رگلوله ها به سرک تازهای برکارنا مه سیاه و سنگین جنایت خود افزودند. اما این جاننا یین زبون تر از آن بودند که با این جنایات با تانک اعتراض و مبارزه زحمتکشان ۱۳ آبان و تازی آبا دوبا خجی با دودیکر محسولات و شهرها را خاموش سازند.

آنچه در کوی ۱۳ آبان رخ داد، طلوع ۱۳ آبانهاست. ساله اصلی این است که جان مردم از این رژیم به لب رسیده و دیگر آنان را یاری تحمل ایکن تکبیت نیست. تظاهرات کوی ۱۳ آبان نشان ایکن حرکت تازه در مبارزه خلق است. نشان بزرگ و چشمگیر جدت و وضع و درجه آمادگی و ایثارگری مردم زحمتکشان علیه این رژیم، پیدا کرده است. اعتصاب خوینسان ساسان پس از دخا نیات و ذوب آهن پس از ساسان اکنسون به تظاهرات زحمتکشان ۱۳ آبان فرارو دیده است. در شهرهای دیگر هم مردم علیه جنگ و علیه رژیم تظاهرات کرده اند. اوضاع کنونی اوضاع تازه ایست. اکنون اوضاع علیه گونهایست که از هر جرفه می تواند حریق بر خیزد. مهم نیست که این جرفه خود سری یک یا سدا ریا شدیا جنایت یک خدا نقلابی افغانی، قطع آب یا شدیا تعطل سابقه فوتبال، هر جرفه ای می تواند تاش خشم و اعتراض خلق را علیه این رژیم استبدادی و ارتجاعی شعله و رسا زد. با اطمینان با یه دید کسه اوضاع کشور ایکن ۱۳ آبان های با زهم پر شکوه تر است. رژیم در حمایت خود سرا با در برابر درخواست و اراده خلق قرار گرفته است.

اکنون رژیم آشکارا از درهم شکستن نیروهای ترقیخواه عاجز مانده است. فداییان خلق ایران در این میان بسیار شامند. علیه غم تحمل سنگین ترین تهاجمات، حزب توده ایران به صورت یک نیروی سیاسی بکلی غیر قابل انکار در عرصه مبارزه روزمره خلق فعال است. فدائین وابسته به سایر نیروهای ترقیخواه نیز در راه تحکیم پیوند با توده های خلق پیش می روند. همین واقعیت در اطلاعیه وزارت کشور و در جرفه های سرپرست کمیته های تهران به خوبی انعکاس یافته است. او آشکارا اعتراف کرده است که فدائیان اکثریت، توده بیا و مجا هدین تظا هریا تا خبرا رهبری کرده اند. در کوی ۱۳ آبان، روز چهارشنبه دست جنایتکار عمال رژیم در محنه تیردی حماسه آفرین خون زحمتکشان را بوزمین ریخته خونی که راه صلح، و نیز راه نابودی این رژیم فاشی و جنایتکار را هموار می کند.

پس بست سیاست فدملی و جنایتکارانه رژیم در ساهای جنگ، همانگونه که انتظار می رفت، گریبان آن را به تمام و کمال گرفته است. شکست عملیات جنایتکارانه و عمیقاً فاجعه میزید و قربانی شدن حدود ۳۰ هزار نفر از زحمتکشان میهن ما در بقیه در صفحه ۲



به یاد دهمین سالگرد

شهادت رفیق بیژن جزنی

و همزمان

۱۵ سال از شهادت رفیق بیژن جزنی و همزمانش می گذرد. ۳۰ فروردین سال ۵۴ ساواک جنایتکار شاه رفقا بیژن جزنی، حسن ضیاء ظریفی، سعید کلانتری، عزیز سمردی، عباس سورگی، محمدچوپانزاده و احمد جلیل افشار زهربران و یه گذاران سازمان فداییان خلق ایران و مجا هدین خلق کاظم ذوالانوار و مصطفی جوان خوشدل را طی توطئه ای یلیدرتبه های اوین شیربران کرده است. ساواک و ذیالانسه در روزنامه ها اعلام کرده این فرزندان پاکباخته خلق در راه انتقال از زندان اقدام به فرار کرده بقیه در صفحه ۴

علیه جنگ، برای صلح، باخیزیم!

پیام مشترک کمیته مرکزی حزب توده ایران و کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت)

مناسبت اول ماه مه

کارگران و زحمتکشان ایران!

فرا رسیدن جشن اول ماه مه (۱۱ اردیبهشت)، روز همبستگی بین المللی کارگران را به شما مدافعان بیگیترا می جای مردمی انقلاب بهمن و مبارزان بیشروناخت قدم راه آزادی، استقلال، عدالت اجتماعی و صلح با دستان می گوئیم.

اول ماه مه عید کارگران سراسر جهان است. در این روز کارگران کشورهای سوسیالیستی دستاوردهای عظیم و تاریخی خود را به معرض نمایش می گذارند. صدها میلیون کارگر در کشورهای سرمایه داری این روز را در صفوف متشکل و متحد به روز تجزیه و پیمان با یکدیگر در راه مبارزه برای صلح، آزادی و دفاع پیگیر از حقوق منصفی و سیاسی خود تبدیل می کنند. در میهن ما نیز با وجود دشواریها و بیورش همه جانبه و دشمنی نیروهای ارتجاعی به جنبش کارگری، همواره جشن اول ماه مه برگزار شده و خواهد شد. اعمال نسیز سزمداران رژیم ضد مردمی جمهوری اسلامی و ارگانهای سرکوبگر با توسل به شیوه تهدید و رعب خواهند کوشید تا مانع برگزاری مراسم اول ماه مه شوند. اما علیرغم همه دشواریها باید جشن اول ماه مه را هر چه گسترده تر برگزار کرد و با مبارزه حق طلبانه خود هر چه بیشتر به افشای این رژیم ضدکارگری و ضد خلقی پرداخت.

کارگران و زحمتکشان مبارزان!

جشن اول ماه مه در شرایطی برگزار می شود که صلح جهانی به خطر افتاده است و جنگ زندگی برانداز هسته ای، هستی مردم همه کشورهای تهدید می کند. امپریالیسم آمریکا و متحدانش، موشکهای هسته ای جدیدی در اروپای غربی مستقر کرده اند و تلاش می کنند با استقرار اسلحه های هسته ای فضای کیهانی را نیز به عرصه مسابقه تسلیحاتی تبدیل کنند. در مقابل به سیاست ضد بشری امپریالیستی، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی، طبقه کارگر و دیگر نیروهای آزاده و صلح طلب جهان مبارزه پیگیر و قهرمانانه خود را در راه صلح، کاهش تسلیحات نظامی و صلح سلاح هسته ای ادامه می دهند. اول ماه مه باید به سکوئی بیگیترا کارگران و زحمتکشان کشور ما در همبستگی با نیروهای مترقی و صلح دوست سراسر جهان برای حفظ صلح و امنیت خلقها تبدیل شود.

امسال نیز، مراسم اول ماه مه در ادامه جنگ خانمان برانداز رژیمهای ایران و عراق و سیمپاران مردمی دفاع و در میانه آتش و خون برگزار می شود. در این جنگ امپریالیسم برافروخته، تاکنون صدها هزار رنقرا از زحمتکشان در کورجان باخته اند، میلیونها نفر آواره و بی خانمان شده اند، بسیاری از شهرها و روستاها، محلات مسکونی و مراکز بزرگ صنعتی و کشاورزی به وسیله خاکستری تبدیل شده اند. رژیم خودکامه جمهوری اسلامی همچنان با طرح شعار توسعه طلبانه "جنگ، جنگ تا پیروزی فرزندان زحمتکشان را به کام مرگ و نابودی می کشد و نهادهای سرکوبگر را برای ارت زحمتکشان و وابستگی هر چه بیشتر کشورهای آنها را با امپریالیستی نظامی و غیر نظامی فراهم می کند. شعار قطع فوری جنگ و مذاکره در راه صلح اعلام شده در ادراستهای خود قرار دهید. نگذارید رژیم کسی را در راه جبهه های بی باک و کشتن جنگ کند. نگذارید بخشی از دستمزدها چیر شده به عنوان کمک به جبهه ها به جیب کارگران داخلی و انحصارات امپریالیستی سرازیر شود. هر چه متحدتر و متشکل تر، با اتحاد شیوه های گوناگون مبارزه، از کم کاری و نظاهرات موضعی گرفته تا نظاهرات وسیع و اعتماد با همگانی برای پایداری دادن به این جنگ خانمانسوز بیا خرید. در سالهای اخیر آزادیهای دموکراتیک بطور کلی در جامعه ما از بین رفته است. نیروها و خنثی ریز به روز بیشتر شده اند. احزاب و سازمانهای مترقی یکی پس از دیگری مورد بیورش و وحشیانه قرار گرفته اند. سران رژیم ضد مردمی مذبحگاه تلاش کرد تا دست از حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و دیگر سازمانهای انقلابی و سوسیالیستی جدا کند و کارگری و تحادیه های صنفی زحمتکشان را متلاشی سازد. در این راه دهها هزار تن از مبارزان راه استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی و صلح و مدارا معمان واقعی امپریالیست را در کورگان زحمتکشان میهن توسط ارگانهای سرکوب و شکنجه آسیر شده و گروه به شمار می آید. از شدیدترین فرزندان خلق و پیشروان جنبش کارگری، زیر شکنجه و در میدانهای اعدام به شهادت رسیده اند. انتشار مطبوعات نشریات و کتبهای انقلابی و مترقی ممنوع اعلام شده است. تحقیق عقاید به سطح سیاست رسمی دولت ارتقا یافته است و ارگانهای سرکوب و شکنجه حتی در مصومی ترین مسائل شخصی و خانوادگی زحمتکشان به بطور مستقیم و غیر مستقیم دخالت می کنند. گشتی سران رژیم به جای رسیدن به اهداف است که دشمنی و مخالفت خود را حتی با اعلامیه جهانی حقوق بشر رسماً و علناً اعلام می کنند.

روز اول ماه مه را باید به روز مبارزه کارگران و همه زحمتکشان کشور بخاطر احیای آزادیهای دموکراتیک، نجات نیروهای مترقی از زندانها و شکنجهگاهها، حمایت از خانواده های زندانیان سیاسی و شهدای برج انقلاب تبدیل کرد. در این سالها هزاران تن از مردم قهرمان کردستان و نیروهای مترقی و دموکرات در راه کسب خود مختاری و برخورداری از حقوق ملی خود در میاند نبرد رویا رویا رژیم خودکامه به شهادت رسیده و دهها هزار تن از مردم بیگناه آواره کوهها و دشتها شده اند. باید علیه کشتار خلق کرد و در راه برخورداری خلقها از حقوق ملی بطور متحد و پیگیر مبارزه کرد.

کارگران و زحمتکشان ایران!

سران رژیم جمهوری اسلامی در دفاع از منافع کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان از هیچ کاری نیستی به شما مردم زحمتکش فریاد زنگنه انداخته و میگویند کرد آنها سیاه ترین قواین، از جمله کلیات لایحه فوق ارتجاعی "حدود و شیوه فعالیت تولیدی بخش خصوصی" در صنایع و کشاورزی راه تصویب رسیده اند. اجرای چنین قوانینی به منزله سیردن کلیه اقتصاد کشور و هستی کارگران، دهقانان و دیگر اقشار زحمتکشان است. کارخانه ها و زمینها و دیگر اموال مصادره شده و شورشهای ملی که شما زحمتکشان با شایخوخ از خلقوم دشمنان طبقاتی خود پیروان کشیده اید، به کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان سربده می شود و با زاری و ادعای اقتصاد کشور و بیرونیتر به عرصه تاراج انحصارات خارجی و شرکای داخلی آنها تبدیل می گردد.

اولویت هزینه های سرمایه آور جنگ که اساس برنا مریزی دولت را تشکیل می دهد، صنایع و کشاورزی کشور را به رکود و ورشکستگی کشانده و هزاران کارگر و دهقان را نده شده از کارخانه ها و مزارع به اردوی عظیم بیگاران پیوسته اند. رژیم برای فریب افکار عمومی طرح فروش سهام کارخانه های دولتی به نام کارگران را مطرح می سازد. هدف این طرح که همان "اصل سیزدهم انقلاب سفید" شاه مخلوع است، جلوگیری از رشد مبارزه طبقاتی، تشدید بهره کشی

و تشویق همکاران مسالمت آمیز "بین کارگران و سرمایه داران می باشد. باید پرچم مبارزه گسترده برای حفظ دستاوردهای انقلاب، علیه قوانین ضد کارگری و فساد فحاشی، علیه احیای نظام منض سرمایه داری وابسته، علیه فروش کارخانه های دولتی و در راه پایداری به بیماری مزمن بیگیترا، را در سراسر کشور برافراشت. طبقه کارگر بیگیترا به پرچم مبارزه زحمتکشان می شود و نباید یدا سیاست ایران بر باده رژیم به عقابله فرایگیر خیزد.

کارگران آگاه و مبارزان ایران!

سالهای اخیر کارگران را رژیم تلاش می کردند تا لایحه ضد کارگری "بیانش نویسی قانون کار" را به تصویب برسانند. اما افشاگریهای آگاهها و به موقع حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) و اعتراض و مبارزه قهرمانانه شما کارگران، رژیم را وادار به عقب نشینی کرد. اکنون سران جمهوری اسلامی قصد دارند که با استفاده از جوش و خروش خنثی همان قانون کار را در لایحه جدید تصویب مجلس شورای نگهبان بگذرانند. باید با مبارزه متشکل، سازمان یافته و متحد خود در مقابل این تصمیم ضد کارگری ایستادگی کنید. به قانونی که طرفدار سرمایه داران و حقوق شمارا پایداری کند ندهید.

در آستانه سال نو، رژیم خمینی با تصویب قانون ارتجاعی "تشکیل شواهای اسلامی کار" خیانت دیگری علیه شما مرتکب شد. هدف رژیم، پراکنده نگه داشتن طبقه کارگر و جلوگیری از اتحاد دویگانی شماست. رژیم با اتکا به این قانون مستقیماً در انتخاب شوراها کار به نفع صاحبان سرمایه و مددبران کارخانجات اعمال نفوذ می کند.

باید ضمن مبارزه علیه این قانون ضد انقلابی، در مقابل دخالت دشمنان طبقاتی در انتخاب اعضاء شوراها کار رفاقت کنید. باید برای دفاع از حقوق خود، سندیکاها و تحادیه های مستقل کارگری را سازمان دهید. در درون کارخانجات، عناصر ضد کارگری و آژان جمله عوامل سیاه، کمیتها، دوا بر حراست، انجمن های اسلامی و غیره را که همیشه با سوسان رژیم و عوامل سرکوب شما عمل می کنند، از خود برانید و افشاء کنید. نمازینندگان واقعی خود را انتخاب کنید. گردنمایندگان واقعی خود حلقه بزنید و کارگران رژیم را از سنگر کارخانجات به عقب برانید.

در سالهای اخیر با وجود تورم و گرانی سرمایه و ورع و غیره اعتراضها و مبارزات زحمتکشان، رژیم از افزایش حداقل دستمزد کارگران سرباز زده، در حالیکه هزینه زندگی روز بروز بالاتر رفته و فشار اقتصادی سبب شده است که بخش عظیمی از کارگران آزاده را به زندگی خود عاجز گردانند.

ادامه مبارزه در راه افزایش دستمزدها و حقوق و مزایا، طرح اعلامیه طبقه بندی منازل، دریافت سود ویژه، افزایش سهمیه شغلی و نیهای کارگری، تامین زمین و وام و مصالح برای تعاونیه های مسکن کارگری، بهبود شرایط کارکنان ساکن کارگاه و اجاری قانون تامین اجتماعی و مقررات جامع مربوط به حفاظت و ایمنی کار، و نیز مبارزه علیه خراج کارگران زن و تعطیل خود سرانه مهد کودکها و دهها مورد ظلم و تبعیض دیگر از جمله وظایف روزمره شماست.

کارگران مبارزان ایران!

کارگران را می کشد گذشت نشان داده اند که سنگر اصلی مبارزه خلق علیه ارتجاع حاکم هسته ای، اعتمادات بزرگ کارگران در خانیات تهران، شرکت ساسان و سوزیه کارگران ذوب آهن اصفهان و نیز همبستگی قاطعانه بخش مهمی حمایت بین المللی از کارگران ذوب آهن و نیز همبستگی قاطعانه بخش مهمی از کارگران کشورهای آنان نشان بارز قدرت و آگاهی طبقه کارگر ایران است. اینک موج اعتمادیه های دم افزون در کارخانجات کشور، از جمله در کارخانجات پالایشگاهی، نساجی ها، فولاد مبارکه، مس سرچشمه، چوکا و دهها واحد کوچک و بزرگ صنعتی دیگر گواهی آن است که طبقه کارگر در شرایطی با سلاح برنده اعتماد می تواند به طرز موثری در روند حوادث جامعه نقش تعیین کننده ایفا کند. اعتماد در حقیقت به حربه کار ساز و مهم مبارزه اعتراضی و مطالباتی مبدل شده است.

باید ادامه اعتمادات کارگری را هر چه گسترده تر کنید. باید در اعلام همبستگی با کارگران اعتمادی هروا ضد صنعتی از هیچ تلاشی فروگذار نکنید و بدین ترتیب با بارز قدرت، زمینه تحقق حقوق و نیهای خود را در عرصه های هر چه بیشتر فراهم کنید.

در شرایط خنثی کنونی، پیشروترین و با تجربه ترین کارگران را برای رهبری مبارزه طبقه کارگر، هسته های محلی تشکیل می دهند. تشکیل اینگونه هسته های برای هدایت و تداوم مبارزه هر روز اهمیت بیشتری پیدا می کند. رهشودهای این هسته ها علاوه بر راهنمایی عمل کارگران مبدل می شود. باید در موسسات تولیدی و خدماتی در جهت تشکیل و تقویت این هسته ها، با هشتماری و دقت تمام اقدام نمود.

کارگران و زحمتکشان ایران!

حیات جامعه در کورگان شما و نا هر گ اقتضای رژیم در دست شماست. رژیم سلطنتی وقتی سقوط کرد که کارگران اعتماد با همگانی را آگاه کردند و شیره های نفت را بستند. رژیم جمهوری اسلامی نیز قاعدتاً در برابر قدرت متحد شما ایستادگی کند. حاکمیت ارتجاعی می کوشد تا به خواستهای حق طلبانه شما با سرکوب و ارباب و خراج و زندان پاسخ بدهد. اما تجربه نشان داده است که مقاومت شما این حربه ها را کند و بی اثر می سازد.

امروزه مرجعین حاکم، سلطنت طلبان و امپریالیست و دیگر نیروهای ضد خلقی، بیچاره زهر زمان دیگر تلاشی می کنند به تفرقه میان نیروهای انقلابی دامن بزنند و نگذارند شما زحمتکشان را به هم پیوسته کنید. باید توطئه آنها را با هوشتاری هر چه تمنا مزخرفتی ساخت. حزب توده ایران و سازمان فدائیان خلق ایران سنگرمبارزه شما هستند. از سنگر خود دفاع کنید و در راه دژ استوار بیگیترا خلق علیه ارتجاع حاکم بدل سازید. با اتحاد خود به حاکمیت ارتجاعی پایان دهید و بقیه امپریالیسم و فساد انقلاب مغلوب برای تسلط مجدد بر کشور را بر هم بزنید و راه حاکمیت خلق را هموار سازید. پیروزی از شماست.

گواهی با اول ماه مه
زنده با طبقه کارگران ایران!

کمیته مرکزی حزب توده ایران - کمیته مرکزی فدائیان خلق ایران (اکثریت)

پایان دهه زن نزدیک میشود

گسترده، وضعیت زنان در بسیاری از کشورهای تازه‌تأسیس بهبودی کسب نکرده، بلکه شرایط سخت‌تری نیز به آنها تحمیل شده است. بویژه در کشورهای در حال رشد در نتیجه فقر شدید و عقب ماندگی ناشی از تسلط امپریالیستی، فشار عدم تساوی بر زنان بسرآفتاب سنگین تراست.

همچون کنفرانسهای پیشین، کنفرانس امسال نیز محنت‌های از مبارزه زنان برای برابری و رفع ستم خواهد بود.

وضعیت زنان در مینامار در طول این دهه خودنیاوردن ارزیابی جداگانه‌ایست، گرچه شرکت فعال و ایثارگرانانه زنان در انقلاب بهمین حیات سیاسی نوین و تجارب بسیار ارزنده‌ای را برای جنبش زنان ایران فراهم آورد، اما سلطه حاکمیت ارتجاعی استبداد و بی‌حقوقی مطلق در دره‌های عمیق و تاریک آن را برای تحمیل نمود، در جمهوری اسلامی وضع زنان نه تنها بهبود نیافت، بلکه به‌صورت بدترین وضعیت در جهان معاصر تبدیل شد. از اینرو وضعیت زنان در مینامار می‌تواند به‌عنوان یک نمونه‌ترین مثال مورد بحث کنفرانس ناپرویی بدش شود.

نیروهای انقلابی و ترقیخواه ایران باید بکوشند تا این کنفرانس را به عرصه افشاء جنایات رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی تبدیل سازند و با اقدام هماهنگ شرکت کنندگان را به حمایت از زنان ایران وارد آورند و فشار بر رژیم قرون وسطایی برای قطع شبکهای علیه زنان مینامار را برانگیزند.

در تیرماه ۱۵ سال بهمناسبت با این دهه‌وزن، دهه تشدید فعالیت علیه برابری همه‌جانبه زنان یک کنفرانس جهانی در ناپرویی با بیعت کنیا تشکیل می‌شود. در این کنفرانس ۳۰۰۰ نفر از نمایندگان دولتها و بیش از ۴۰۰۰ نفر از نمایندگان سازمانهای غیردولتی شرکت خواهند داشت. کنفرانس در نظر دارد با ارزیابی پیشرفت‌ها و مواضعی که در راه تحقق برنامه‌ها و اهداف دهه وجود داشته‌است، دورنمای کارتا سال ۲۰۰۰ را مورد بحث قرار دهد و تدابیر معینی برای رفع موانع اتخاذ کند.

زنان که نیمی از جمعیت و یک سوم افراد ناغله جهان را تشکیل می‌دهند، با کار خلاق در پرورش تولید و آفرینش ارزشهای مادی و معنوی جامعه سهم فعال دارند. با این وجود زنان در پیش‌آزمایشی از جهان هنوز به‌مثابه انسانهای درجه دوم به‌حساب می‌آیند و تحت انواع تطبیقات اقتصادی، اجتماعی و سیاسی، از جمله در چارچوب خانواده قرار دارند و به‌عنوان بی‌توجه به آنچه بر زنان در بخش وسیعی از جهان می‌گذرد به‌منظور تشدید فعالیت جهت رفع تبعیض از آنان، سی‌مین اجلاس مجمع عمومی ملل متحد تصویب کرد که دهه ۸۵-۱۹۷۶ (۶۴-۱۹۷۵) بعنوان دهه ملل متحد برای زنان اعلام شود.

کنفرانس ناپرویی نیز در کنیا (سال ۱۹۸۰) برای ارزیابی کارهای انجام یافته در نیمه‌دهه تشکیل شد. بر اساس جمع‌بندی سازمانهای ملی زنان، عضو "فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان"، طی این کنفرانس نشان داده شد که علیرغم تلاشهای

به یاد دهمین سالگرد شهادت رفیق بیژن از صفحه اول

و کشته شده‌اند. این جنایت کثیف از همان هنگام برای مردم آشکار شد و موجی از خشم و نفرت علیه رژیم در کشور در محافل بین‌المللی برانگیخت. رفیق بیژن، جزئی در سال ۴۲ گروهی مارکسیست - لنینیست تحمیل داده که بعدها به گروه جزئی شهرت یافت این گروه انقلابی که در جستجوی راهی برای مبارزه انقلابیون کمونیست بود راهبری رفیق بیژن جزئی آغازگر مبارزه‌ای ایثارگرانانه علیه رژیم فاشیستی و سرکوبگر شاه شد و نقش برجسته در گسترش مبارزه انقلابی در ایران ایفا کرد. پس از آنکه رفیق جزئی وعده‌های از هم‌زمانش مبارزه‌انگیز قطع شد، بلکه این رفتار در زندان و بی‌ارزشان در خارج از زندان با تمام توان رزم انقلابی خود را پی گرفتند. رفیق جزئی و یاران او هم‌زمان ۷ سال زندان، زبردست‌ترین شکنجه‌ها و فشار بازجویی‌ها بی‌پایان مردانه و قهرمانانه ایستادند و با روحیه و عزیمت الهام دهنده همواره سمبل مقاومت و پایداری مبارزه بوده‌اند. رفیق جزئی با تجربه‌ای سرشار از سالها مبارزه سیاسی، نه تنها نقش بزرگ در تربیت سیاسی و آموزش انقلابی فداییان داشت، بلکه مهمترین رزمی بزرگترین نقش را در سرکوب و تکوین ملل بینش و جنبش انقلابی فداییان خلق - تدریس دیدگاهها - مواضع سیاسی و تاکتیکی سازمان و در واقع هدایت و رهبری نظری فداییان خلق داشته‌است.

اعتقاد عمیق او به دستاورد های سترگ انقلاب کمپراکتروپروسوسیالیسم واقعاً موجود، ایستادگی در برابر برکسانی که می‌خواستند همه تاریخ جنبش کمونیستی ایران را ناشی کنند، تلاش برای متکدی کردن پیش و نظرها زمان به اصول انقلابی و روندهای عینی و واقعی، در مجموع خود به تقویت و تکوین بینش و مضمی مارکسیستی - لنینیستی سازمان بسیار کمک کرد. همین خصوصیت بود که رفیق بیژن راهواره مورد خمش و کین چپ روان و چپ‌نمایان ما شویست، قرار می‌داد. رفیق بیژن جزئی، انقلابی بیگانه با تلاش خستگی‌ناپذیر و با وجود همه دشواریها و خطراتی که در زندان او را تهدید می‌کرد، در هدایت نظری سازمان شرکت بی‌شائبه داشت. هم‌زمان بر بود که در زمینه رژیم در دنیا به‌عنوان رهبر از نقش روزافزون رفیق جزئی در مبارزه گسترش یافته فداییان خلق و نیز برای درهم‌شکنستن سترگان انقلابی زندستان، ناخواسته مردانه و چنان‌بکارانه دست به‌توروا و یارانانش زدند. اما علیرغم این جنایت بزرگ و ضربه سنگین آن بر جنبش انقلابی ما، رژیم فاشیستی و هیجان‌ناشوانست خلی در عزم و رزم فداییان خلق پدید آمد. رفیق جزئی بحران عظیمی را که کشور در آن‌ساعت آن قرار می‌گرفت با تاکی‌کدیش بینشی کرده و روندهای تحولات جامعه و موقعیت نیروهای سیاسی را با ژرف‌اندیشی و تیزبینی مورد نظر داشت. این مواضع در هدایت فداییان خلق طی دوره انقلاب سهمی‌مهم داشت و حقیقتاً خود را نشان دادند.

با طمئین باید گفت که تلاشی بی‌وقفه و عمیقاً با دقت رفیق جزئی برای درک و تهییز خلقا نشه به مواضع مارکسیسم - لنینیسم و روش بینشی، خلاقیت و توان ادر تحلیل اوضاع سیاسی و چگونگی بردشواریه، فداییان خلق را در ادامه تحول خود و ارتقاء به مواضع همه‌جانبه پیشا‌هنگ طبقه کارگر ایران یاری داده است. شش‌تنش یاران شهید رفیق جزئی، بویژه رفیق حسن ضیا، ظرفی در این کوششها سهم بسزایی داشتند. رفیق ظریفی در مینامار فداییان خلق همواره به‌مثابه رفیق اندیشمند و خلاق که بیشترین همکاری فکری را با رفیق جزئی داشت، شناخته شده است. هر یک از هفت سهرای که در سپیده دم ۳۰ فروردین آماج گلوله‌های دزخیان شدند در تاریخ ما نقش بسزا ایفا کردند. امروز رژیم شاه در گورخفته است، اما حمله ۹ شهید فدایی و مجاهد در قلب همه انقلابیون و میهن پرستان زنده‌است. حماسه زندگی و شعر پرشور شهادت آنان به‌روندندگان راه آزادی و پیروزی مردم ایران می‌دهد تا با همه جان و لبا همه‌توان برای نابودی رژیم منحط و قرون وسطای جمهوری اسلامی، کسه بس دهنده‌ترین تاریخ برکلی میهن پرستان نهاده رزمنده و پیروزی قطعی خویش مطمئن شرونند.

کا ملاموشر بی‌شخص خواهد رفت. باید آگاه‌ترین و با تجربه‌ترین معلمان بدوره جمع‌شوند و با رعایت پیشانکار، رهبری مبارزه رزمنده معلمان را به‌عهده گیرند و از تمامی اشکال مبارزه، از دامن زدن به حرکت و اعتراضات فردی تا اعتماد جمعی در هر جای که امکان پذیر باشد استفاده کنند. معلمان یقیناً با شکل و اتحا دخومی شوند و خواسته‌های سیاسی و صنفی خود را به رژیم تحمیل کنند و راه برای انبای‌فشی واقعی معلمان هموار سازند.

معلمین، گردان رزمنده‌ای از صف خلق

ضد فرهنگی دهها هزار نفر از معلمان و کارکنان متعدد و مدافع انقلاب دارای تخصص و تجربه آموزشی آماج تصفیه ارتجاعی شدند و به‌جای آنان افراد بی‌تجربه و عقب‌مانده یا مطیع را گماردند. این اقدامات ضد انقلابی کیفیت آموزش و تعداد محصلین را به شدت پایین آورد.

هجوم ارتجاع از طریق انجمن‌های اسلامی، بخش امور باصلاح تربیتی و دوایر گزینش و بازرسانی نیروی انسانی به مدارس و ادارات آموزش و پرورش چنان شرایط خفقان و محیط تیره و تاریک را حاکم ساخت که در طول تاریخ پیدایش مدارس جدید در ایران بکلی بی‌سابقه‌است. آنها با اخراجهای وسیع، ایجاد شرایط مملو از سوءظن نسبت به معلمان متعهد و مستقل، عدم امنیت شغلی، توهین و بی‌احترامی به معلمین، تحقیر و فشار روزافزون، بی‌معلمین زن و غیره به‌حد اکثر تلاش و توفیق گسری کوشیدند تا مانع هرگونه شکل‌های مستقل معلمین گردند، کوشیدند تا مانع از آموزش دلسوزانه بویژه آگاهانه معلمین گردند.

علاوه بر آن سران رژیم معلمان را تحت فشارهای شدیداً اقتصادی قرار داده‌اند. حقوق و درآمد آنها به معلمان ناپهچ وجه پاسخگو هزینه‌های کم‌رکن زندگی نمی‌باشد. مدت‌هاست هم سطح حقوق آنان ثابت مانده و هرچیزی مزایای آنان حذف شده‌است. هر روز که می‌گذرد از قدرت خرید معلمین نیز کاسته می‌شود. در حقیقت معلمان از کم‌درآمدترین کارکنان دولتی هستند. مساله حقوق و درآمد آنها نه‌مساله مسکن برای توده معلمان به‌یکی از خواسته‌های اعتراضات مهم آنها تبدیل شده‌است. اکنون این اعتراضات شکل فعال و جمعی به‌خود می‌گیرد و بتدریج علیه سران رژیم سمت‌گیری می‌کند. سران رژیم در مقابل خواست معلمان ایستاده‌اند و آنان را تهدید می‌کنند و خواست‌شان را کمونیستی می‌نامند.

ملادار آرمه گذشته وقتی معلمان بنده رعایای حقوق مسکن و دیگر خواسته‌های خود را با آق‌ای وزیر آموزش و پرورش طرح کردند، آق‌ای وزیر عصیان شده و با لحن توهین آمیزی گفت: "من فکر می‌کنم محیط اینجا، حزب‌الهی است. شما باید مسایل الهی را مطرح کنید. شعار کار، مسکن، حقوق و... شعار کمونیست‌هاست. و باید اصلی جنگ است. با بیدارکلاس جنگ را تبلیغ کنید و دانش آموزان را برای رفتن به جبهه تشویق کنید" اما علیرغم همه‌ارعا به‌ها و تضییقات دائمی علیه معلمین، آنها از هر فرصتی که به‌جنگ آورده‌خواسته‌ای خود را مطرح می‌سازند و برای تحقق آن مبارزه می‌کنند. اکنون علیرغم فشار رژیم بر معلمان ایران زمین برای توسعه اعتراضات توده معلمان مساعبد می‌شود. در چنین شرایطی پیدا کردن با تجربه‌ترین و آگاه‌ترین عناصر صفوف معلمان و برقراری آنها بین آنها و معلمین و قرون وسطای جمهوری اسلامی، کسه بس دهنده‌ترین تاریخ برکلی میهن پرستان نهاده رزمنده و پیروزی قطعی خویش مطمئن شرونند.

۱۲ اردیبهشت روز معلم و سالگرد شهادت دکتر خانعلی معلم مبارز است. این روز یادآور اعتصاب بزرگ و یکپارچه معلمان تهران در سال ۱۳۴۰ است. این اعتصاب، بزرگترین اعتراض متشکل معلمان ایران در راه تحقق خواسته‌های خود در دهه ۴۰ بود و با حمایت و همدردی معلمان سراسر ایران و روبروشد، اعتصاب به پیروزی رسید و تا شیرت معتنی بر حیات سیاسی آن زمان کشور باقی گذارد. از این پس روز ۱۲ اردیبهشت روز معلم نام‌گذاری شده و الهام بخش مبارزان معلمان ایران در راه خواسته‌های صنفی و سیاسی آنان است.

معلمان در مینامار جزو اقشار کم‌درآمد و محرومترین جامعه اند و از لحاظ مادی و معنوی همواره تحت فشار بوده‌اند. قریب نیمی از معلمین در ناپرویی آموزش و ادارای وزارت آموزش و پرورش همانند دیگر بخشهای دستگاه دولتی با فساد، رشوه‌خساری و تبعیضات مختلف و باختلاف و استبداد شاهنشاهی دست‌به‌گریبان بودند. این شرایط منشاء مبارزات معلمان علیه رژیم پهلوی بود و هنگام شکل‌گیری اعتصاب جمعی به‌خود می‌گرفت. اعتصاب بزرگ ۱۲ اردیبهشت ۱۳۴۰ و اعتصاب بهار سال ۱۳۵۰ معلمان از این سنگین‌ترین جملاتند. علاوه بر این معلمین از تا مین کنندگان عمده افشا و گاوهای بی‌گروا و یثارگرم از نمایندگان انقلابی بوده و هستند. رفیق صدیق‌بهرنگی آموزگار فرزانه و انقلابی و رفیق بهروز دهقانی، علی‌رضا نابدل، مرزیه احمدی، اسکون، کاظم سعادت، و رفیق معماران بنام، گری بیانی، میثمی،... که از بنیانگذاران، رهبران و گاوهای برجسته سازمان ما بوده‌اند، همه معلم بوده و در مبارزات معلمین شرکت بسیار موثر داشتند.

با شکل‌گیری جنبش انقلابی، معلمان نیز به‌مبارزه جمعی و سراسری روی آوردند. آنها با اعتصابها راهبیمایی‌ها، تجمعات، سخنرانی و... به‌سهم شایسته‌ای در آگاهی و بیداری دانش‌آموزان سراسر کشور و توده‌های مردم بویژه در مناطق روستایی بر عهده گرفتند. ایجاد کانونها و انجمن‌های مختلف دموکراتیک و انقلابی معلمان در آن‌ساعت انقلاب و پس از پیروزی آن نشان‌دهنده نیرو، آگاهی و عزم توده معلمان در جهت دگرگونی بنیادین جامعه و در سیستم و شیوه آموزش و پرورش کشور بود. با فشار و مبارزه توده معلمان کا مهای در جهت زدودن ظاهر و عوام ستم‌شاهی در آموزش و پرورش برآوردند. از همان آغاز تشکیل جمهوری اسلامی وزارت آموزش و پرورش در مرکز توجه و توفیق‌های سران رژیم قرار گرفت. هدف مقدم آنان تصفیه اندیشه‌ها و پیشروا از طریق اخراج، بازخورد و بازنشسته کردن معلمان آگاه و متفکر بود. در اجرای این هدف ارتجاعی، سران رژیم دست‌باز نهادن انقلابی انجمن جنبه را بطور کامل بازگذاشتند تا هر چه پیشتر پست‌ها و مسئولیتها را تنها حاکمیت مملو از مصلحت‌اندیشی خود را در تمام عرصه‌های سیاسی، اداری، آموزشی و پرورشی به‌جرا در آورند. در نتیجه این پرورش

کارگران مبارز و پیشرو! در هسته‌های مخفی کارگری متشکل شوید!

برای گسترش مبارزه

وجه مشخصه اوضاع کنونی تشدید روزافزون بحران ناشی از ادا مه جنگ و مقابله رژیم با مردم و گسترش فزاینده امکانات مبارزه تودایی علیه رژیم، علیه جنگ و برای صلح است. اکنون باید با پیگیری مستمر روند تحول اوضاع و وظایف روزمره و تاکتیک‌های مبارزه را با شرایط متحول تطبیق داد و هر چه بیشتر آگاه شد که با حداکثر نیرو و بکارگیری تمام امکانات، سازماندهی و ارتقاء مبارزه خلق علیه جنگ و رژیم را برعهده گرفت.

۱ - اکنون وضعیتی پدید آمده که انتقاد علنی و شجاعانه از جنگ و نقل خیرمبارزه مردم علیه جنگ در جاهای مختلف با استقبال مردم مواجه می‌شود. در صف‌ها و توبوسها و در هر محل تجمع دیگر علیه جنگ تبلیغ کنید. مراکز تجمع را آرازدار کنید. مبارزه مردم علیه جنگ و اعتراض علیه جنگ مبدل سازید.

۲ - شعار "علیه جنگ برای صلح بی‌خیزیم" را هر چه وسیع‌تر بر روی دیوارها بپسندید، هر چه بیشتر آنرا در محلات، کیوسکها، اتوبوسها، و در محلهای مناسبت که در معرض دید باشد بنویسید.

۳ - اعلامیه‌ها و تراکت‌های ضد جنگ و ضد رژیم را در مدارس، سینماها، کارخانه‌ها، و در هنگام تعطیلی آنها پخش کنید. در هر محل تجمع سعی کنید تراکت پخش کنید، لازم است که همواره به مقدار ضرورت تراکت‌های ضد جنگ و ضد رژیم ذخیره و آماده داشته باشید. اگر در جبهه هستید، آنجا را به جبهه‌ای برای مبارزه در راه صلح مبدل سازید. ضرورت صلح را با توجه به شرایط بهر طریق که می‌توانید تبلیغ کنید.

۴ - تظاهرات آنجا، آخرین تظاهرات خصلتی علیه رژیم نخواهد بود. اولین آن هم نبوده است. به آماج شرايط برای تظاهرات حساس باشید. همواره برای شرکت در تظاهرات و تشویق مردم به شرکت در آن آماده باشید. رژیم تظاهرات مسالمت آمیز مردم علیه جنگ را مورد تهاجم قرار می‌دهد. تجربه تظاهرات زحمتکشان جنوب تهران در کسوی ۱۳ آنجا حاکی از همین حقیقت است. در صورت برگزاری تظاهرات اولین وظیفه فعالین با تجربه آن است که با ابتکار و اعتماد و متظاهر کنندگان در مقابل یورش را افزایش دهند. با طرح شعارهای مناسب جهت بسیاسی تظاهرات را هدایت کنید.

۵ - همسواران را در کوشش و انعطاف پذیری را با دیده خراج دانند که نیروهای هوادار جریانی سیاسی مختلف سیاسی مترقی در جهت، علیه رژیم علیه جنگ حرکت کنند. از طرح بحث‌ها و شعارها و از

برخوردهای تفرقه جو یا نه پرهیز کنید. اگر عناصردشمن و یا افراد مغرضی خواستند از اعتراض مردم برای منحرف کردن لبه تیز حمله علیه رژیم و برگرداندن آن به سوی مردم و نیروهای مردمی استفاده کنند، با تمام امکانات و امکانات نقشه آنان را خنثی کنید. به هواداران وابسته به نیروهای سیاسی مترقی بهر طریق ممکن کمک کنید. آنان در برابر اعمال سرکوبگر رژیم فعالانه حمایت کنید.

۶ - پس از مبارزات و مویش زدن با بگوشتید در محل جامعه حضور یا بیدوبه افشگری در باره جنگ بر خیزید. نشان دهید که رژیم چینی و صدام هر دو جنایتکارانند، هر دو فاسد و ارتجاعی هستند. صحنه تشییع جنازه و مراسم ختم شهدای مبارزان و نیز شهدای جبهه‌ها را به مراسم اعتراض علیه ادا مه جنگ مبدل سازید.

۷ - همواره احتمال قوی دارد که ارگانهای سرکوبگر رژیم پس از تظاهرات ضد جنگ ضد رژیم در تهران و یا در سایر شهرها به سازمانهای مترقی یورش آورند که فعالین شناخته شده را دستگیر کنند. در برابر این توطئه باید کاملاً هوشیار بود. رژیم برای جبران شکست خود می‌کوشد از زمانهای مترقی انتقام بگیرد. مسئولین واحدهای سازمانی و عتبار رهبری هر گروه، بویژه گروهی که در حوزه فعالیت آن تظاهرات و درگیری رخ داده است باید با ابتکار و خویشتن اقدامات معینی را انجام دهند که هم هنگامی که عمل رژیم اقدام به دستگیری می‌کنند آنها دست نیابند و هم ارتباط خود را با دیگر فعالین برای رهبری مبارزه حفظ کنند.

۸ - انعکاس اخبار و اعتراضات و مت مردم بویژه با زتاب سریع جزئیات تظاهرات در سطح جهات اهمیت کاملاً ویژه‌ای دارد. هر عنصر پیشرو و میساز با بدو وظیفه خود پیدا کند که فوراً به هر وسیله ممکن تلفین نامه، بیگامو، گزارش کامل رویدادهای تظاهرات را به مراکز ارتباطی سازمان و به مسئولین خود برسانند. گزارش باید دقیق، همراه با تمام جزئیات مراتب با لاجواب هدر رفت. انعکاس گزارش در اودیو زحمتکشان و دیگر ارادیوهای مدافع انقلاب و مطبوعات و رسانه‌های خارجی مردم را به وسیله ترین شکل در جریان جنبش و روند آن قرار می‌دهد. واحدهای سازمانی باید نیروهای خود را در زمینه خبر موظف کنند تا گزارشات حتی امکان به فاصله‌های نزدیک ارسال شود. خبرهای موشق به دست آمده را باید فوراً ارسال کرد و برای تکمیل آنها لحظه‌ای را هم

رفقای عزیز! رهنمودهای فوق را با رفاقی تحت مسئولیت خود مورد بحث و بررسی قرار دهید. با تاجربا تازنه تسر و مشخص تر خود آنها را غنی تر سازید. حاصل کار را بطور جداگانه تنظیم کنید و بگوئید که به دست همه عناصر فعال در محیط کار و حوزه فعالیت شما رسا نیده شود.

دژخیمان سرازیری بود، زمین این شیوه کلاشی و آن کلاهبرداران از خانه‌های زندانیان را بطشه و هماهنگی معینی وجود دارد.

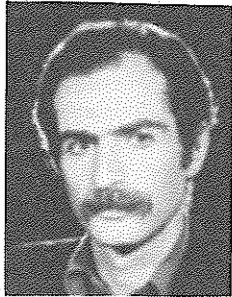
دهها هزار خانواده زندانیان سیاسی که در استان به جای بی‌نیسی و روزگار زندگی و سلامت فرزندان خود هستند، تحت شکنجه روحی و روانی قرار داشته و به شدت رنج می‌برند. بهمین خاطر حاضرند با دان همه اموال خود، فرزندان خویش را از جنگ ایمن دژخیمان نجات دهند و یا زخم و درد عزیزان اسپر خویش را درمان کنند. لاشخوهای رژیم برای بهره برداری از این معاشی که خود پدید آورده اند نیز تشنه کشیده و دست به کار شده‌اند.

خانواده‌های زندانیان سیاسی باید هوشیار باشند، برای مقابله با این تبهکار رینا، برای دفاع از زندگی، سلامت و حقوق زندانیان سیاسی همه نیروهای میهن پرست و مترقی باید کوششهای خود را متحدانه به پیش ببرند.

بازتاب پلنوم مهر ماه در پلن اطلاعاتی

احزاب کمونیست و کارگری جهان

بولتن اطلاعاتی نشریه مسایل صلح و سوسیالیسم در شماره ۶ سال ۱۹۸۵ اعلامیه دبیرخانه کمیته مرکزی سازمان فدائیان خلق ایران (اکثریت) درباره تشکیل پلنوم مهرماه ۶۳ و همچنین پیام پلنوم به جهان را در باره زندانیان سیاسی ایران را درج کرد. بولتن اطلاعاتی صلح و سوسیالیسم که در پروا منتشر می‌شود، نامشروعترین استناد و جلاش‌ها و اعلامیه‌ها و احزاب کمونیست و کارگری جهان است. این نشریه هر دو هفته یک بار در زبانهای انگلیسی، عربی، فرانسه، آلمانی، یونانی، ایتالیایی، پرتغالی و اسپانیایی منتشر می‌گردد. بولتن اطلاعاتی صلح و سوسیالیسم، معتبرترین نشریه اطلاعاتی بین المللی است که با انتشار آخرین تحولات و دستاوردهای جنبش کارگری و کمونیستی جهان و زندگی احزاب برادران در بیگام و کار صلح، استقلال، دموکراسی و سوسیالیسم منعکس می‌کند.



اول ماه مه

بر فراز آرزو سپهت سپهر خشتی

" طرح "

۱ انقلاب، در خمه ای سنگین برادرم، در تشویشی طولانی همسرم، در بیدار خوابی، تا صبح و زمان، در بی حرکتی مانده است

۲ همسرم، راهی کارگاه خواهد هم. با سلامی صبحگاهی و باز نشیبی از مهربانی - بازگشته از صفا - و برادرم، سنگینی داغ آورده است.

۳ سیاهی و خون دلخسته، از کوه‌های هول و خیابانهای اضطراب، می‌گذرم. با سبزه‌ها و وقدا ره‌بندان بر دیوارها و پیاده روها ...

در تقاطع، وادع، دبستان برادرم را می‌لرزاند و چشمانم را خیره می‌کند و گاه فرزندانم را می‌بوسد که می‌دارد.

۴ بعد از ظهری دل انگیز، برنده آزادی، به پنجره‌ها می‌خواهد و بیخت حصارها فریاد می‌زند به عرصه آفتابها، قدم می‌گذارم "ترانه" با دسته‌گلی می‌آید.

۵ آبشار نقره‌ای بیابانهای آرزو و جایی از شعر، سرستی در خنکای نسیم و نوشیدن بیویاس خواهرم ظرفی از زیباترین طعام دنیا را به دستم می‌دهد. و برادرم پشت به موج بقربای و چهره و روبه‌روهای اردیبهشتی دارد.

۶ در "عروسی" "میترا بوم" گلی به گردن "برنده" خواهی آویخت دست در دست هم روانه کار روپیکار رند فرزندانمان

۷ با تو - برادرم - با زودربا زو موج غرور مندکارگران را می‌بیمایم "اول ماه مه" بر فراز اردیبهشت می‌درخشد:

اردیبهشت ماه ۱۳۶۳

از شهید مرتضی میثمی

پیرامون قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار"

قانون تشکیل "شوراهای اسلامی کار" که در ۲۲ بهمن ۶۳ تصویب شد، رونوشت فصل هشتم پیش نویس قانون کار ارتجاعی سرحدی زاده است. این قانون از نظر مضمون دارای سوابق اساسی و بهیچین دلیل ارتجاعی است:

اولاً - نقض سخن و آشکارا حق برخورداری کارگران از شکل صنفی مستقل. ثانیاً - نقض حق مشارکت کارگران در برنامهریزی و اداره تولید. ثالثاً - معانعت از تشکیل سازمانهای صنفی در واحدهای بزرگ دولتی و صنایع کلیدی از قبیل نفت، فولاد، مس و غیره.

نقض حق شکل صنفی مستقل

حق شکل پس از حق کار از دیدیهی ترین و پایه‌ای ترین حقوق صنفی کارگران است. این حق مسلم در اعلامیه جهانی حقوق سندیکایی و مفاصله‌ها و سایر اسناد بین المللی کار به ترکیب شناخته شده و دستاورد چنددهه‌ها جنبش سندیکایی طبقه کارگر ایران است. این حق حتی در قانون اساسی جمهوری اسلامی که به تصویب سازمان خیا ننگار رژیم نیز رسیده است، با تائب یافته است. اما طبق قانون شوراهای اسلامی کار شکل صنفی مستقل کارگری اساساً منتفی است. چه "ابتکار" تشکیل شوراهای وزارت کار و تشخیص "انحراف" و حق انحلال آن با "هیات تشخیصی انحراف و انحلال شوراهای اسلامی کار" است.

طبق ماده ۱ این قانون، شورای اسلامی کار مرکب از نمایندگان کارگران و کارکنان از یک طرف و نماینده مدیریت از سوی دیگر است. اضافه شدن نماینده مدیریت به ترکیب نمایندگان کارگران و کارمندان یک واحد، جنبه دیگریست از نقض اصل حق شکل صنفی مستقل.

شکل صنفی کارگران سازمانی طبقه‌ای، توده‌ای و دموکراتیک است. یعنی باید دربرگیرنده همه کارگران، صرف نظر از تعلقات عقیدتی، فرهنگ‌گویی، نژادی جنسی و غیره باشد. حال آنکه در ماده ۲ قانون شوراهای اسلامی کار از عقاید و التزام عملی به اسلام ولایت فقیه و عدم گرایش به احزاب و سازمانها و گروههای سیاسی شرط انتخاب کارگران در "شوراهای" تشخیص صلاحیت کارکنان تعیین شده است. ماده ۲ این قانون، نه با مجمع عمومی کارگران، بلکه با هیاتی است ۲ نفره که ۲ نفرشان نماینده دولتند، انتخابات شوراهای طبق ماده ۳ توسط وزارت کار صورت می‌گیرد. هیات موسس یا مجمع عمومی کارگران، به جای آنکه اساساً به تشکیل صنفی، ناظر بر روابط تشکیل شوراهای شورا را چسبند و اداره آنها تعیین کند، وزارت کار را مأمور تنظیم و اجرای آیین نامه انتخابات شده است. طبق تبصره ۱ ماده ۱۲ حتی حق تشکیل مجمع عمومی فوق العاده با کارگران نیست، بلکه با "هیات تشخیصی انحراف و انحلال شوراهای اسلامی کار" است. منظور ارتجاع از این تبصره آن است که نگذارند کارگران عناصر ضد کارگر را از شوراهای بیرون کنند.

اما سران مرتجع رژیم و قانون گذاران با برگزیده آنان به این نتیجه رسیده نکرده و برای آنکه این تفویضات "قانونی" موبه موبه طور کامل ضمانت اجرایی یابد، هیات به نام "هیات تشخیصی انحراف و انحلال شوراهای اسلامی کار" به منظور بررسی و تشخیصی انحراف شوراهای زور و ایفای "قانونی" و انحلال آنها اختراع کرده اند. همین شمشیر دموکراسی بر سر "شوراهای" آویخته اند. هیات کذایی ماده ۲۲ قانون شوراهای که اختیار تشخیصی انحراف، پیرونده سازی برای شوراهای و انحلال آنها را دارد، هیاتی است ۲ نفره که ۲ نفرشان نمایندگان وزارت کار و کارمندان و ۲ نفر دیگرشان نمایندگان دست چین شده دولت. این هیات از نظر ترکیب و مضمون همان "هیات منصف" وزارت کار است. برای سازمانهای کارگری است که موضوع ماده ۶ تا ۷ این سازمانها را کارگری و کارفرمایی مصوب ۱۳۴۳ است. در قانون "شوراهای اسلامی کار" تشکیل شوراهای سندیکایی واقعی نه تنها در این قانون، بلکه در تمامی سطوح نقی شده و ایجاد تحادیه‌ها و کانونهای منطقه‌ای ورشته‌ای و ملی اساساً نادیده گرفته شده است.

نقض حق مشارکت کارگران در اداره تولید

حق مشارکت کارگران در برنامهریزی و اداره تولید معنای عالی ترین و تکامل یافته ترین جزء حقوق سندیکایی کارگران و از برسته ترین دستاوردهای انقلاب بهمن است که تحت عنوان حقوق شوراهای کارگران، در شوراهای کارگری تبلور یافته است. این دستاورد نچنان عینی و غیر قابل اغماض بود که حتی سران رژیم نیز آنرا تائید کرده اند. اما زمامان غاصب یعنی از آغاز نخست وزیران کارگران تاکنون، بسن دستاورد انقلابی همواره توسط حکام جمهوری اسلامی مخدوش و منته شده است.

در مهرماه ۵۸ برای نخستین بار دولت بازرگان بطور محرمانه لایحه شوراهای را تدوین کرد. اما فرصت اجرایی را نیافت. حتی از ترس کارگران آنرا انتشار نداد. پس از بازگشت، بنی صدر با شعار "شورایی شور" رسالت دولتی کردن شوراهای کارگری را با تدوین پیش نویس قانون ۱۶ ماده‌ای شوراهای بعهدہ گرفت. پس از بنی صدر نیز دولت به توفیقی رسید که با کارگران زور آمیزی کند. او با شعار "ما در اسلام نظام شورایی نداریم، نظام ولایتی داریم" به شوراهای بزرگ بود. اما طبقه کارگر و سرنگون کرد. اکنون هم این رسالت شوم بر عهده جانشینان اروپا خسته توکل‌های است. "قانون شورای اسلامی کار" میراث لایحه شوراهای بازرگان، قانون شوراهای بنی مدرویش پیش نویس قانون کار و قوانین و مقررات است. آنچه که در همین قوانین مشترک است، تاکیدیک جانبه و مطلق بر نقش مدیر در اداره تولید و با یصال کردن حقوق شورایی کارگران و تبدیل شوراهای زاینده مدیریت است. کارگران گسترده و مضمون غنی حقوق و اختیارات مشارکتی کارگران در برنامهریزی و اداره تولید درست در نقطه مقابل تحریفاتی است که این قانون از حقوق شورایی کارگران می‌کند. اصولاً اختیارات و حقوق مشارکتی کارگران در برنامهریزی و اداره تولید شامل سه بخش است: اختیارات مشورتی، اختیارات نظارتی (کنترل و بازرسی) و اختیارات قطعی (اداری و اجرایی).

اختیارات یا حقوق مشورتی کارگران عمدتاً در عرصه طرح و اجرای برنامه‌های تولید است. مدیریت به نمایندگی کارگران در مورد تکمیل و تغییرات برنامه‌ها گزارش می‌دهد و با احتساب نقطه نظر همکاران پیشین اختیارات مشارکتی کارگری برنامه‌ها را جاد می‌کند. اختیارات و حقوق نظارتی نمایندگان کارگران عمدتاً به عرصه توزیع مربوط می‌شود. اختیارات بازرسی شامل نظارت بر نمایندگان میانی در دستمزد و سایر امور مربوط به خدمات تا مین اجتماعات و امکانات فرهنگی، رفاهی، ورزشی و... مربوط می‌شود. در این عرصه‌ها تشکیلاتی مستقل کارگری در چارچوب اجرای قانون اساسی و قانون کار و تامین اجتماعی نقش اداری (سازمان‌نگار) و اجرایی داشته و دارای حق رای قطعی می‌باشند. وقتی از دمکراسی در تولید یا حقوق شورایی کارگران سخن می‌رود، مساله تنها به یک حق مشورتی فرمالیته و تحریف آمیز محدود نمی‌شود. در ماده ۲۱ قانون شوراهای اسلامی کار آمده است که: "شوراهای موظف است یک نفر را بعنوان رؤسای شوراهای و رؤسای مدیریت معرفی کنند و این عویشا و در جلسات هیات مدیره بدون حق رای شرکت خواهند کرد". کارگران بر اساس مفا دین قانون تنها حق مشورت و آرایه پیشنهاد دارند، تصمیم در هر موردی با مدیریت است و از شورا تنها نامش می‌ماند و بی!

ممنوعیت شکل کارگران در واحدهای بزرگ دولتی

در تبصره ماده ۱۵ آمده است: "زمان تشکیل شوراهای شرکتی بزرگ دولتی از قبیل شرکتی تابعه وزارت نفت، شرکت ملی فولاد ایران، شرکت ملی صنایع مس ایران و... بر اساس این قانون به تشخیص شورای عالی کار (موضوع ماده ۵۵ قانون کار) خواهد بود". هیات موضوع ماده ۵۵ قانون کار شاه منظور مشکل است از: ۳ نفر نماینده دولت (شامل وزیر کار و دو عضو)، ۳ نفر نماینده کارکنان کارفرمایان، ۳ نفر نماینده سندیکاهای کارگری به انتخاب وزیر کار.!! در پیش نویس ارتجاعی سرحدی زاده این هیات متشکل از ۵ وزیر ۲ نفر نماینده کارفرمایان و ۲ نفر به اصطلاح نماینده کارگران است. شوراهای عالی کاری که قانون شوراهای اسلامی کار به آن اختیار تعیین تکلیف و تصمیم گیری در مورد حق شکل کارگران در واحدهای بزرگ دولتی را داده، یک چنین ترکیبی دارد. تبصره ماده ۱۵ مذکور همان ماده ۱۴ قانون شوراهای بنی صدر است.

هدف ماده ۱۵ مقابله با "خطر" شکل گیری سازمانهای صنفی مستقل کارگری در واحدهای صنعتی عظیم مثل نفت، فولاد و غیره است. ضربتی که کمربند را شکست، بیش از همه از همین تشکیلات ناشی می‌شود. اینها بورژوازی ایران نمی‌تواند از دیدار و زسروش خود بیگانه کند. محروم کردن بیشترفته ترین و متحرکترین بخش طبقه کارگر از صلاح شکل معنایش کار ملا روش است. کارگران صنایع بزرگ و کلیدی نسبت به بخشهای دیگر کارگری (صنایع کوچک، خدمات، کارگران ساختمانی و کارگران کشاورزی) نقش پیشرو و رهبری کننده را دارند. علاوه بر این، نقش واحدهای

مثل نفت و کار فولادچاه از نظر اقتصادی وجه از لحاظ سیاسی در عقب نشاندن هیات حاکمه مرتجع و پیمان دادن به حکومت ننگین فعلی حساس تعیین کننده است. رژیم مرتجع و کارگرسنیز جمهوری اسلامی، اکنون بیش از هر زمان خود را محتاج چماقی مثل تبصره ماده ۱۵ می‌بیند، چرا که هنوز سران خائن رژیم ضربات اعتصابی کارگران قهرمان ذوب آهن بزرگ بیکر فروتنش را در آرزو دارد. فزونی نکرده است. هنوز ننگسازان در همه واحدهای کوچک و بزرگ کارگری ایران در حال گسترش است. وقتی بیش از ۱۵ هزار کارگر فولاد بدون شکل سازمان صنفی اینگونه ایستادگی می‌کنند، روشن است که برای ارتجاع بیدار شدن یک نماینده سازمان صنفی برای بیش از ۴ هزار کارگر ذوب آهن برای نفت و غیره، حتی قبول بزرگاری مجمع عمومی در اینگونه واحدهای کلیدی، و رسمیت بخشیدن به همین به اصطلاح شوراهای بی همین ملاک و معیار تبعیضی نیز خطر آفرین است. علاوه بر این قانون ارتجاعی، توده وسیعی از کارگران ایران را نیز که در واحدهای تولیدی و خدماتی کوچک شاغلند، از حق شکل محروم کرده است. طبق ماده ۱۵، شوراهای بیدار و احدهای تشکیل دهنده بیش از ۳۵ نفر شاغل داریم دارد. این نمونه آشکار دیگری از وحشت رژیم ارتجاعی است. کارگران از حقوق صنفی دمکراتیک صدها هزار کارگر است. قانون علاوه بر موارد فوق از جنبه‌های کارگری ارتجاعی است. مثلاً طبق ماده ۲۷ این قانون، حق شورا در جلوگیری از اخراج کارگران توسط مدیران زورپا گذاشته شده و مدیریت به اخراج کارگران مجاز نشده است. گرچه برای خالی نبودن عریضه رای نهایی بعهدہ "دادگاه صالحه" یعنی وزارت کار است.

جنبه دیگری ماده ۲۰ این قانون است که بطور سر بسته، خبرچینی و جاسوسی علیه کارگران و مشارکت با ارگانهای سرکوبگر رژیم را یکی از وظایف شوراهای شمرده است. در ماده ۲۰ آمده است: "شوراهای باید در زمینه‌های اجتماعی بروز حوادث، مراجع ذیصلاح را مطلع و همکاری لازم را معمول دارد. بدیهی است که منظور از حوادث در زمینه‌های اجتماعی، سوانح ناشی از کار و رول شدن دست کارگران و زیربانی اعتبارات در یک بخش رونظ بران نیست، بلکه منظور، اعتصاب است. کدهای که جمهوری اسلامی حتی از بردن نامش نیز بیزیم دارد.

مبهم‌گویی ریاکارانه و عدم صراحت تعسیدی قانون در مورد ادبیت که از هویت نمایندگان مجمع عمومی، جایگاه آن در "شورای اسلامی کار" سخن می‌رود (ماده ۱ و ماده ۲). قانون آگاهانه نمی‌خواهد هویت مجمع عمومی کارگران و نمایندگان منتخب آن که (همان شکل صنفی کارگری است) صراحت بخشد و استقلال آنرا از مدیریت بپذیرد. چون اساس کار بر سر هم بندی کارگران غیر مستقل و زاینده مدیریت است. ارگان سازش طبقه‌ای و وابسته به دولت قرار داده است و بس.

علاوه بر تمام موارد بالا هدف رژیم از تصویب این قانون هموار کردن راهی جهت یک قانون کار ارتجاعی نیز هست، چرا که اصولاً شکل مستقل کارگری، ستون فقرات قانون کار و زیربومندترین فاسد اجرایی آن است. ارزش قوانین کار قبیل از هر چیز با این معیار سنجیده می‌شود که تا چه اندازه حق شکل مستقل کارگران را به رسمیت می‌شناسد و تفویض می‌کند. در آغاز سال ۶۳ رژیم جمهوری اسلامی، پس از آنکه مباحثی بی‌پایه در تصویب و تحمیل یک قانون کار ارتجاعی پیش نویس قانون کار با اصطلاح جدیدی توسط سرحدی زاده عرضه کرد که با اعتراض گسترده و شدید کارگران مواجه گردید تصویب آنرا تسهیل فرمت مناسب به توجیهی انداخت. اما نمایندگان این رژیم دست به توجیهی حساب شده ترومحلان تریزه و بجای کلیت قانون کار، حاس ترین بخش آن یعنی حق شکل صنفی و مستقل کارگری را مورد تهاجم قرار داده است تا بزرگ خورده را برای تصویب و تحمیل یک قانون کار ارتجاعی جدید را سازد. از این نظر نیز ایستادگی در برابر بر تحمیل قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار" ایستادگی زیربایر تحمیل قانون کار ارتجاعی جدید است. کارگران باید همان قاطعیت و حساسیتی را که در رد پیش نویس قانون کار ارتجاعی سرحدی زاده از خود نشان دادند، در دفاعی قانون شوراهای اسلامی کار نیز از خود نشان دهند.

رژیم جمهوری اسلامی با تصویب و ارائه قانون "شوراهای اسلامی کار" مبارزه کارگران را حول جنبش حقوق کاردا می‌نویزند. امروز همگام ترین وظیفه جنبش سندیکایی کارگری سازماندهی تشکیلاتی مستقل صنفی (سندیکاهای اتحادیه‌ها و دیگر تشکیلات صنفی) است که سر نوشت قانون کار نیز به سر نوشت این مبارزه مربوط است. با تعرض فزاینده اخیر رژیم علیه حقوق کارگران، این مبارزه بیش از پیش د دستور کار جنبش سندیکایی میهن ما قرار گرفته است.

وظایف کارگران آگاه در برابر قانون ارتجاعی کار در شرایط کنونی مقدم ترین وظیفه کارگران است. بقیه صفحه ۷

فروش سهام به کارگران نیرونگ تازه رژیم

اخبار اسران رژیم مدعی شده اند که بخشی از کارخانه های دولتی را به کارگران واگذار می کنند و نام این کار را هم "تقویت یا بیگانه انقلاب" می نامند. انقلاب بزرگ کارگری مدعی "گذاشته اند اسران رژیم این ادعا را زمانی طرح می کنند که سهام کارخانه ها به سرمایه داران بزرگ فراری و توریست ها و بین گرفتن زمینها از دهقانان و دادن آنها به ربا بان و لیبیرالها یعنی آن سیاست رسمی رژیم به مراحل جدیدی وارد شده و در همان حال با اعتراض و مبارزه و پیش از پیش کارگران و رنجبران مواجعه گشته است، در شرایط رشدش با بکیر میسار و زودها بسیار طبیعی است که رژیم با خیال "تقویت یا بیگانه" به جستجوی نیرونگهای غذا نگیزه ای بپردازد. اسران رژیم ابتدا اجرای بندج قانون حفاظت و توسعه صنایع ایران را متوقف کردند، سپس در ماه ۶۱، با زگرداندن کارخانه ها و زمینها را به کسان سرمایه داران و بزرگ مالکان سرعت دادند. در مرداد ۶۳ با زهم به دستورهای و اگذاری کارخانه ها و زمینها و شرکتها به دست مستضعفان (که شامل ۱۵٪ صنایع کشوری یعنی ۵۲۵۰ کارخانه و نیز ۲۰ هزار واحد صنعتی و صدها شرکت ساختن نسبی و بازرگانان و شرکت های بیمه ای ۷۰ میلیارد تومان زمین می شود) به بخش خصوصی را آغاز کردند. سپس در ۲۹ شهریور ۶۳ خمینی دستور داد که دولت تجارت را به کلان تاجران بسپارد و به دنبال آن وزارت صنایع کشته ای جهت بازگرداندن واحدهای معماره شده تشکیل داد و اگذاری صنایع سیما و دیگر واحدهای این وزارتخانه و از جمله واحدهای مادر (بند) الف قانون حفاظت را آغاز کرد. در ۷ دی طرح اگذاری شرکت و اتحاد توبسوانی تهران زیر پوشش تعادونی کردن آن در کمیسیون مجلس تصویب شد. در ۲۹ بهمن ۶۳ به دستور دولت بانک صنعت و معدن به تدارک و اگذاری واحدهای خود به بخش خصوصی موظف شد. در همین دوره واگذاری و مصادقات آموزشی، شهرهای ها و اداره شهرها، به بخش خصوصی تحت بررسی قرار گرفت. با لایحه در اسفند ۶۳ کلیات طرح بیایرتجای "فنا تولیدی" بخش خصوصی در صنعت و کشاورزی، که به تعام ایمن خیانت ها جنبه رسمی و قانونی می داد و از اختیارات تازه تری را نیز هموار می کرد به تصویب مجلس رسید. اسران خائن رژیم شایه تا تازه خود یعنی با مصادق و اگذاری کارخانه ها به کارگران را درست در نقطه اوج همین اقدامات ارتجاعی یعنی در اسفند ۶۳ پیش کشیدند. این طرح در اسای سرپوشی برای ادا همان خط مشی انتقال کارخانه ها به بخش خصوصی در جریان حال شگری برای فریب کارگران با مصادق ایجا کرد و با کارخانه ها است. اسران رژیم در اجرای خط مشی خائنه خود با اعتراض و مبارزه توده های میلیونی و در اسامه کارگران نیرو همتنود و مقاومتها به این اعتراضات خسود را نیا ز مندرجین نیرونگهای بی می باند.

مبارزه ها و تاجا رب یعنی انقلابی در اسراجهان بطور تعویضی است که کند که طبقه کارگر تنها و تنها از طریق قرار گرفتن قدرت سیاسی در دست کارگران و ترحیم و دولتی کردن موسسات تولیدی می تواند مساله مالکیت را به خود بخود کند و نیرونگها شکست دهد. از سوی سرمایه داران منعی بر انتقال کارخانه ها به کارگران تنها و تنها یک نیرونگ است که با زهم سرمایه داران و بهر هکذا برای حفظ منافع خودشان آنرا تسلیم می کنند. مروری بسره راه حل های رژیم به عیان نشان می دهد که این با رنیز نقشه جزای نیست که کارگران را مطیع دولست سرمایه دار کنند و دسترنج آنها را برای ریختن در تنور جنگ و درگیری بی ته غارتگران به چا بند. خریدنقدی سهام توسط کارگران یعنی بیکروشی اساساری این طرح شده که هم سهام کارخانه ها به

سرمایه داران بفروشد و هم اگر کارگران به این کار اعتراض کردند، بگویند تقصیر خود شما بود که پول خود را برای چنین روزگاری پس انداز نکرده اید. همین آقایان ۵ سال یعنی تا آغاز سال ۶۴ حداقل دستمزد کارگران را افزایش ندادند بودند و به همان ۶۳۵ ریال، ثابت مانده بود (تازه به ۷۲۰ ریال افزایش داده اند). باز هم همین آقایان می دانند که تا این پول خانه هم نمی شود چاره کرد و به همین دلیل اکثر کارگران مجبورند که تا ۸ ساعت اضافه کاری در موسسات دیگر شبانه کار کنند. تازه رژیم هم از همین دستمزد ناچیز کارگران نمی گذرد و بزرگترین و خوارچ میانی آنان را برای جیبه کسری می کند. معلوم است که با چنین وضع رقت باری کارگران آنی در سراط ندارند که سهام نقدی بخرند. سهامی که قیمت آن را نیسیز دولت سرمایه داران تعیین می کند، بیوژه که دولت کسری بودجه را بهانه فروش نقدی قرار می دهد. نتیجه نهایی قرار گرفتن اکثریت قاطع سهام در دست میلیونها و میلیاردها است. خرید سهام از محل پس انداز کارگران در اسامان تا این اجتماع، کارگران به این سازمان حسی بیامی دهند تا در مقابل آن خدمات درمانی و پزشکی دریافت کنند. این سازمان وظیفه دارد ۱۰ میلیون ۱۰ هزار خانوار بیمه شده را سرپوش کند. تا امروز که این سازمان خدمات شایسته ای به کارگران عرضه نمی کرد. با این وضع و حال دولت می خواهد همان اندوخته اندک کارگران را به نام پول سهام بدهد و به کام جنگ و بیجهت سرمایه داران بزرگ بریزد. استیلاک پول سهام از سود کارخانه شمسوه دیگری است که تنها نتیجه عملی آن این است که فعلا سهام کارگران از سود کارخانه را اگر در جایی وجود داشته باشد به حساب وعده های فریبکارانسته بیا لیکند.

استیلاک سهام با اضافه کاری کارگران نیست و سیله ای در خدمت مجبور و مقید کردن کارگران به سالها اضافه کاری در مقابل مواعیدشیا دانه رژیم سرمایه داران قرار می گیرد. رژیم با عا لم کردن طرح فریبکارانه و اگذاری کارخانه ها به کارگران به هدف را دنبال می کند. یعنی آقایان می خواهند با یک تیر سه نشان را بزنند. نشان اول، به کارگران و انمود کنند که هم کارگر هم کارفرما بپندوبند و قول سیا هیوش معاون وزارت کار "خوش فرما" شده اند و فقط برای خودشان کار می کنند. از این حقه بازی این فکر ایجا که رگسار الفاء کنند که آدم قتل که از خودش تقاضای افزایش دستمزد نمی کند، علیه خودش کار می و اعتصاب نمی کند، شعارهای کمونیستی را از همنای عمل خود قرار نمی دهد و به صفوف آن نمی پیوندد. آنها می پندارند با این حربه تا به سرمایه زده میلیونها کارگران علیه جمهوری اسلامی را فرو نشاند. توجه کنید به سخنان آقای "خوش فرما" در این زمینه: "وقتی که کارگر احساس کند که کارخانه مال خودش است، دیگران فشارهایی که توسط کارگران برای افزایش دستمزد به کارفرما وارد می شود معنی نخواهد داشت... یکی دیگر از آثار مثبت اجرای این طرح با لافتن کیفیت و کمیت تولیدی ما شد... از زوایا دید دیگران این طرح خلع سلاح و اقمسی گروهی که هم در شعار و هم در عمل خواهد بود. یعنی گفتم صریح آقای خویش فرما یکی از اهدافی رژیم جلوگیری از گسترش نفوذ کمونیستها در صفوف کارگران مبارزه با کم کاری و اعتصاب کارگران و منصرف کردن آنان از طرح افزایش دستمزد است. نشان دوم، استیلاک رشیدیترا و گذاشته کارگران، یعنی نه تنها تلاش می کنند کارگران را با دشمنان و افزایش دستمزد را مطرح سازند، بلکه به کمک اجرم جدید "سهام" کارگران را به افکار ریویا لایبردمیزان کیفیت تولیدی به سود کلان سرمایه داران بیاورند. نشان سوم، با دهواگذاری کارخانه به کلان سرمایه داران زیر پوشش و اگذاری به کارگران اسران رژیم خیلی تلاش کردند

پیروزی جدید کارگران

۲۷ فروردین معاون وزارت کار جمهوری اسلامی اعلام کرد که سطح حداقل دستمزد کارگران از ۶۳۵ ریال به ۷۲۰ ریال افزایش یافته است. سرمداران کارگرسرستیز جمهوری اسلامی در تبلیغات عوامفیهانه خود، این افزایش دستمزد را نمونه ای از سیاست "حمایت از مستضعفین" جلوه داده اند. واقعیت آن است که سطح حداقل دستمزد کارگران از سال ۵۹ تا کنون ثابت مانده بود. رژیم طی این مدت بجای سیاست تثبیت قیمتها، بطوریکجا نسیه سیاست تثبیت دستمزدها (۱) را پیش برد. اینک پس از ۵ سال، ۸۵ ریال به سطح حداقل دستمزدها اضافه شده است. در همین فاصله تا دوخته ناسی از وزارت کلان تجا در بر توستیاست اقتصاد رژیم و افزایش لگام گسیخته قیمتها، از ۷۰۰ میلیارد تومان تجا و زکرده است. واقعیت آن است که افزایش این ۸۵ ریال به سطح حداقل دستمزدها، تا شریقا بل توجهی در قدرت دستمزد با صعود نسبی آن و قیمتها هیچ تناسبی ندارد. با اینحال همین افزایش ناچیز سطح حداقل دستمزد نیز از نظر پیروزی نسبی مبارزات کارگران بسیار مهم است. زیرا طبقه کارگر میهن ما اثر به نسبت اعتصابات خونین به کف آورده و رژیم خدمتگزار کلان سرمایه داران و بزرگ مالکان را مجبور به این عقب نشینی کرده است. حکام جمهوری اسلامی بهیچوجه خواهان افزایش دستمزد نبوده اند. آنها طی ۵ ساله اخیر تمام این استدلال بورژوازی تکیه کرده اند که دستمزد نباید افزایش یابد چون موجب افزایش نرخ تورم می شود. کارگران ایران خواهان افزایش قدرت خرید (یعنی دستمزد واقعی نه دستمزد اسمی) هستند و این تنها در بر تواتخاذ سیاستهای اقتصادی مردمی یعنی سیستم توزیع عادلانه کالاها، تثبیت قیمتها و افزایش شرح دستمزدها متناسب با افزایش سطح هزینه زندگی میسر می گردد. بر مبنای چنین سیاستی است که سطح دستمزد در جارجوب تناسب میان دستمزد با کمیت و کیفیت کار تعیین می گردد و الگوهای طرح طبقه بندی مشاغل و ارزش گذاری روی کمیت و کیفیت کار، این سیاست را تدقیق می کند.

کتابت کنند مدام سرمایه داران نیستند و خط حمایت کارگران را پیش نمی برند. آنها می گویند: "در جامعه اسلامی وقتی صحبت از بخش خصوصی می کنیم معیارها ارزش خاص خود را دارند و نباید بختی خصوصی در جوامع سرمایه داران مقایسه شود... و اوجدی که چندین سیم آن را می خورد بخش خصوصی است." اطلاعات ۲۰ اسفند آنها با این تریه تخی خواهد آمد مدعی شوند که یک بخش خصوصی جدید و اسلامی اختراع کرده اند و طرح فروش سهم به کارگران نیز کلاه تریخی این اختراع جدید است. طرح با مصادق و اگذاری کارخانه های دولتی به کارگران اختراع تازه اسران جمهوری اسلامی نیست. همان ماه سیزدهم انقلاب سفید شاخسار و از ابداعات امپریالیستهاست. هدف اسران رژیم فریب کارگران و رها کردن گریبان خود از دستمزد توانای آنهاست. کارگران سلاح اعتصاب علیه رژیم بکار انداخته و در بر توستیاست ارتجاعی و استبدادی خمینی پیش می روند. سیاست سرکوب رژیم نتوانسته است از پیشروی کارگران جلوگیری کند. پس علاوه بر آن به تجا رب انقلاب سفید شاخسار پناه برده اند و نتوانش می کنند امکا ل بیچیده و دقیق تر سرکوب و فریب ربا اشکال خشن و عربان آن تلفیه کنند. فریب تازه رژیم نشانه قدرت طبقه کارگر و دشمنی مبارزات آنان علیه رژیم است.

کارگران باید در محافل و مجامع کارگری طرح جدید رژیم را افشا کنند و اهداف ضد مردمی اسران رژیم را از عزم کردن این طرح بر ملا سازند.

و متجملست خواهان در تشکیل سازمانهای صنفی استقبال می کنند، حتی اگر این سازمانها هنوز کلا مستقل و مترقی نباشند. اما وظیفه کارگران مبارز و آگاه برای تدارک و تشکیل سندیکاها و اتحادیه ها و دیگر سازمانهای صنفی مستقل به این خلاصه نمی شود. وظیفه ای که اکنون در مرکز توجه ما سازمانها کارگران بیسرو قرار دارد، سازماندهی همگامی مخفی فاعلیین کارگری در همه واحدهای است که از شکل منفی مستقل محرومند و یا تشکلهای صنفی ضعیف و نامنفی دارند. ایجا دسته های مخفی فاعلیین کارگری بیوژه در واحدهای بزرگ صنعتی مثل نفت، ذوب آهن و نظایر آن اهمیت اساسی دارد. تشکیل این هسته ها و پیچ وجه مبارزتی با شرکت در تشکلهای رسمی و علنی ندارد. در شرایط خفقان با رکنونی و فقدان با صف تشکلهای کارگری، تشکیل هسته های مخفی کارگری برای رهبری مبارزه کارگران اهمیت اساسی دارد.

مطالیه توده کارگران بدل شود. علاوه بر آن کارگران بیسرو و وظیفه دارند توده کارگران را هدایت کنند تا عناصر ضد کارگری شوراها ی دولتی را بیرون برانند. یکی از راههای فراخوان مجمع عمومی بمنظور انتخاب نمایندگان واقعی است. در انتخابات کارگران باید از انتخاب عناصر سازشکار و روکا ندیده های حتمیلی جلوگیری کنند و رهبری شورا های اسلامی را از دست عوام مسل حکومت خارج کنند. رژیم از برگزاری مجمع عمومی کارگران و انتخابات آزا داری تعیین نمایندگان بیم دارد. تجربه کرده ایم که کارگری چند ساله اخیر بدون استثناء نشان داده است که همسسه کردهای می ها حتی جلسات آزا داری تعیین نمایندگان کارگری که به دعوت وزیر کار تشکیل می شد، همواره به تریبون برای افشای سیاستهای ضد کارگری حاکم تبدیل می شد. کارگران آگاه از هر مکانی برای جمع شدن توده کارگران و طرح مسائل کارگری

بیرامون قانون ارتجاعی "شوراهای اسلامی کار" از صفحه ۶ این قانون و اهداف ارتجاعی و ضد کارگری آن است. کارگران بیسرو و وظیفه دارند کارگران را در محافل مخفی با عا لمی کارگری، در مرکز علنی کارگری، در کارخانه ها و کارگاهها، بهر طریق که مناسب تشخیص می دهند گرد آورند. آنان را با اهداف ضد کارگری این قانون و بنیاد تلبید اسران رژیم در تصویب این قانون آشنا سازند. کارگران را به اعتراض جمعی، طومار نویسی، کم کاری، اعتصاب و دیگر انگسار مناسب مبارزه علیه تصویب و اجرای این قانون متوجه کنند. مبارزه کارگران علیه این قانون راه دایت کنند. کارگران تجربیات بزرگی در مبارزه علیه قانون کار رتوکی و سرحدی زاده اندوخته اند. این تجربیات در مبارزه علیه "قانون شوراها" با یدموردا ستفاده قرار گیرد. کارگران آگاه باید تلاش کنند الفاء قانون شورا های اسلامی کار به

درد کارگران قهرمان دختانیات، ساسان، ذوب آهن

افغانستان انقلابی با گامهای استوار پایش میروید

هفتم اردیبهشت ماه هفتمین سالگرد پیروزی انقلاب مردم افغانستان است، انقلاب ثور افغانستان نویدبخش استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و بشاقت دهنده برای برتری و کلا رویداد انقلابی برای ساختن کشوری مستقل، آزاد و آباد است. انقلاب افغانستان برای مردم آن سامان راه به دنیایی را گشوده است که در آن آرزومندیها و خواستهها و آزادیها و رفاه و صلح و برابری و برابری با همه کشورهای جهان در آن استوار است. انقلاب ثور افغانستان نویدبخش استقلال ملی و پیشرفت اجتماعی و بشاقت دهنده برای برتری و کلا رویداد انقلابی برای ساختن کشوری مستقل، آزاد و آباد است. انقلاب افغانستان برای مردم آن سامان راه به دنیایی را گشوده است که در آن آرزومندیها و خواستهها و آزادیها و رفاه و صلح و برابری و برابری با همه کشورهای جهان در آن استوار است.

دستاورد های آن مردم افغانستان زابا آینسند ه مطمئن می سازد. دستاوردهای انقلاب مردم افغانستان، طبعی مدت کوتاه ۷ سالی که از آن گذشته است، علیرغم دشواریها و فراوانی رنجها و امیربایستیها و عوامل گوناگون آنها کم نبوده است. افغانستان انقلابی درین راه که رویداد مردمی، رهبریهای ارزشمند حزب دموکراتیک خلق افغانستان و کمکهای انترناسیونالیستی اتحاد شوروی، قادر شده است توسطه های امیربایلیسم آمریکا برای درهم شکستن انقلاب را خنثی سازد و در جهت خواستههای مردم و رفیع محرومیت و عقب ماندگیهای به ارث مانده از سالیهای طولانی گامهایی به پیش بردارد.

انجام اصلاحات ارضی و مبارزه قاطع علیه بزرگ مالکان و کوشش در جهت حل مسأله زمین و آب به سود دهقانان محروم، اقدام درست تجدید سازمان تولید کشاورزی، تشکیل تعاونیه های گوناگون دهقانی، بکارگیری ابتکار و خلاقیت دهقانان و دخالت مستقیم آنها در راه و پیشبرد امور خویش، ارا به خدمات تولیدی روستاییان و کوشش همه جا بنه برای غلبه بر عقب ماندگیهای بخش کشاورزی بکارگیری ابزار مکانیزه در تولید در دستور قرار گرفت. امروز می توان گفت که جمهوری دموکراتیک خلق افغانستان در هر یک از این عرصه ها پیشرفت های مهمی به دست آورده است و تلاش برای دگرگونیهای انقلابی و همه جا بنه تر دوزیها ادا می دارد.

انقلاب طی هفت سال گذشته علیرغم دشواریهای فراوان در پی ریزی بناهای صنایع سنگ، نظیر صنایع غذایی و نساجی و بخش های ارضی صنایع سنگین تلاشهای بی وقفه ای را سازمان داده است، پروژه های بهره برداری صنایع مس و مسختمان نیروگاه های بزرگ برق، بی گمان تحسولات و پیشرفتها ی بزرگی را در صنایع افغانستان پدیدار خواهد ساخت.

در زمینه های اجتماعی دستاوردهای هفت ساله گذشته کم نبوده اند. دهقانان زحمتکش افغانستان از طریق شکلها و سازمانهای اجتماعی خودبیطور فزاینده در امور مربوط به زندگی و برخوردشان و در سر و شوش و آینه کشورشان شرکت می کنند. طبقه کارگر افغانستان که رشد کمی و کیفی بسیاری یافته است، نقش پیشرو خویش را در ساختمان پایه های صنعتی کشور به خوبی ایفا می کند. نیم میلیون نفر کارگر بخشها و رشته های گوناگون، در پناه قانون کار انقلابی که انقلاب به آنها ارزانی داده است از همه حقوق حقه خویش برخوردارند طبق قانون کار انقلابی افغانستان چهل ساعت کار در هفته برای کارگران تثبیت شده است. کارگران در مقابل کارمندی مزدی و مزدی در وقت میزدند. طبق قانون تمام میضامین مزدیه دقت در نظر گرفته می شود و به کارگران تعلق می گیرد. جدا قلم مزدی از سوی دولت متناهی با مجموعه عوامل و شرایط تعیین می گردد. حق نظارت بر اجرائی مندرجات قرارداد جمعی به شورای مرکزی اتحادیه های صنفی افغانستان واگذار شده است.

طبقه کارگر افغانستان آزادانه در دست یاریها، اتحادیه ها و سایر موسسات اجتماعی خویش متشکل شده است و به برکت انقلاب ثور آزادانه و آگاهانه در همه امور صنفی خود دخیل است و در مسایل اجتماعی و سیاسی روز بروز نقش و دخالت بیشتری می یابد. همه تلاش حزب دموکراتیک خلق افغانستان این است که با آزادیها و آزادیها و دهقانان آنها را برای هدایت همه جا بنه کشور خویش مجهز و آماده سازد.

حزب دموکراتیک خلق افغانستان می زرمند استم سالیان متمادی را از چهره زنان شریف و زحمتکش افغانستان بردارد. جوانان و کمکسان آرزنده خود را هر چه بیشتر در افغان انقلابی بازمی یابند. نویسندگان و هنرمندان آزادانه به رشد و اعتلا فرهنگ ملی مشغولند. مبارزه قاطع و بیگنر حزب دموکراتیک خلق و دولت افغانستان علیه بیسواد و جهت نامیگان امکان برای اشتغال به تحصیل همه نوباگان و واجد شرایط شهری و روستایی، نتایج ارزشمندی بسیار آورده است.

این دستاوردها در شرایطی به دست آمده است که امیربایلیسم آمریکا و حکومت های مترجم متفلسف و رهبران لیسیم یک لحظه از توطئه علیه انقلاب

افغانستان دست برنداشتند. این توطئه های ضد انقلابی باعث شده است که دولت مردم افغانستان طی هفت سال گذشته همه توش و توانشان را صرف حفظ و تثبیت انقلاب خویش نماید. یک روشی از دستاوردهای بزرگ انقلاب افغانستان نیست که علیرغم جنگی تمام عیار و تحمیلی که معرکه گردان اصلی آن آمریکا است، قادر شده است از استقلال کشور و موجودیت خویش حراست نماید. در این میان کمکهای انترناسیونالیستی و برادرانه اتحاد شوروی به دولت مردم افغانستان، نقش بسیار مهمی داشته است. بی سبب نیست که بوق های تبلیغاتی امیربایلیسم، اتحاد شوروی را به دلیل این کمک برادرانه و انقلابی به همه باخود افغانستان اماجمله قرار داده اند. امیربایلیسم آمریکا که از شکست انقلاب افغانستان مایوس شده است، طی سال گذشته دیوانه وار به تحجیسز همه امکانات علیه انقلاب شورویا درت کرد، رفت و آمدهای غلنی و مخفی سیاستمداران و مقامات آمریکایی به اردوگاه های باندهای فدا تقلاسی در پاکستان، کنگ ۲۵ میلیون دلاری آمریکا به داروستانه های فدا تقلاسی افغانی و ایجا دهها هنگی بین دول ارتجاعی منطقه علیه افغانستان، نمونه ها بی ازما چرا جوئیهای امیربایلیسم آمریکا دخالت بی شرمانه و آشکار در امور داخلی جمهوری دموکراتیک افغانستان است.

در هفتمین سالگرد انقلاب ثور حکومت های ارتجاعی عربستان سعودی و پاکستان به نیابت از جانب امیربایلیسم آمریکا تلاشهای مزبوحانه علیه انقلاب افغانستان را شدت داده اند. حکومت نظامیان در پاکستان که با جنبش اوج با بنده مردم آن کشور علیه اختناق و استبداد مواجهاست، از خود دفاعی انقلابی و دموکراتیک در همه یکی خود میماند که است و بزبون نه علیه انقلاب مردم افغانستان تلاش می کند. رژیم پاکستان از بازگشت آوارگان افغانی که شاهدنات واضع در افغانستان و سعادت و پیشرفت مردم و کشور خود هستند، جلوگیری می کنند.

سیاست های سران خائن جمهوری اسلامی ایران در مورد انقلاب افغانستان همسوز و همجهت با امیربایلیسم آمریکا است. رژیم ایران نیز در سال گذشته از تمام دسته های خرابکاریه افغانستان را شدت بخشنده است. حکام جمهوری اسلامی میهن ما را با یگا توطئه و عملیات جنایتکارانه علیه فدا تقلاسی علیه مردم افغانستان کرده اند. ذریما های اخیر کم نبوده که در افغانستان با زدا شدت شده و به این امر اعتراف کرده اند.

طی هفتمین سال انقلاب مردم زحمتکش افغانستان از هر چه بیشتر خود را از توطئه های امیربایلیسم و ارتجاع منظمه و از جنایات باندهای فدا تقلاسی علیه انقلاب مردم افغانستان را عللاده شدند و دولت انقلابی خویش را در سر کوب جانیا و عا ملین سیم یاری رساندند. افغانستان انقلابی با یاری مردم و دوستان و متحدان خود در دشواریات میلیکی به پیکر نیمه جان فدا انقلاب در بسیاری از نقاط کشور وارد سازد و حاکمیت دولتی در آن مناطق پیش ازین تحکیم و تثبیت نماید. دره پنچشیر که از تفساط استراتژیک است با قدرت و قاطعیت با کمازی شد. ثبات اوضاع در افغانستان بسیاری از فریب خوردگان را واداشت تا واقعیات را بپذیرند و در پرتو عفو عمومی جمهوری دموکراتیک افغانستان به مردم و حکومت انقلابی میهن خود برای ساختن جامعه نوین بپیوندند.

تلاشهای سبانه و مزدبوجانه امیربایلیسم و ارتجاع قدر نیست به عزم و اراده انقلابی ملت بسیار خسته افغانستان ظلی و اردسا ز دوراه ترقی و پیشرفت اجتماعی آنها را سد نماید. آینه بشاقت دهنده پیروزیهای بازمه بیشتری برای مردم شریف و زحمتکش افغانستان است.

تلاش امیربایلیسم برای تلاشی ایک

در سالی که گذشت تلاشهای آمریکا و همدستان آن برای متلاشی کردن اوپک ادامه بسیار گسترده ای یافت. امیربایلیسم برای دستیابی به این هدف بویژه کوشیدند تا با اختلافات درون اوپک تکیه کنند. این اختلافات طی سالیهای اخیر شدت بیشتری یافته است.

یک دسته از اعضای اوپک مثل عربستان سعودی، امارات متحده و قطر مولا با افزایش قیمت نفت مخالفتند، آنها گذشته از ملاحظاتی سیاسی و نزدیکی با غرب از این می ترسند که افزایش قیمت نفت با عمت افزایش تورم گردد. و او جدول آنها را بی ارزش سازد، علاوه بر این درآمدهای نفتی این کشورها در حدی است که اقتصاد تک محصولی آنها بهیچوجه قادر به جذب آن نیست. دسته دیگر علیرغم یک دست نبودن و اختلافات گوناگون اغلب خواهان مقابله با انحصارات نفتی امیربایلیسم هستند و تمایل آنها به تعیین حد اکثر قیمت برای نفت ما دراتی اوپک می باشد. به علاوه

افزایش درآمد نفتی برای راهای از کشورهای رشد یافته عموما اوپک از قبیل الجزایر کمک خواهد کرد تا طرحها و پروژها به آنها اقتصادي خود را پیش ببرند. حکام جمهوری اسلامی که سخت نیازمند صرفت برای ادا به جنا بیکاران ه جنگ و سروسا مان بخندین به اقتصاد دور شکسته کشور اند، اگرچه در حصر و موضع گروهبندی اخیر هستند و ما با ندمت نفت تا سرحد ممکن افزایش یابد، اما در عمل از طریق ادا به جنگ، متشنج کردن اوضاع خلیج فارس و از آن فروشی نفت برای تهیه اسلحه به تضعیف مواضع کشورهای مترقی عضو اوپک خدمت می کند.

در اوایل سال ۱۹۸۲ و اوایل سال ۱۹۸۳ کشورهای امیربایلیستی برای پایین آوردن قیمت نفت اوپک تلاش گسترده ای آغاز کردند، انگلستان و نوروز برای این منظور قیمت نفت خویش را کاهش دادند و نتیجه به نفتی با کیفیت مشابه به بازار عرضه می کنند مجبورند قیمت نفت خویش را پایین آورد. ایران نیز از مدتی پیش قیمت نفت خود را کاهش داده بود. بدین ترتیب امیربایلیسم موفق شدند قیمت نفت را که حیات اوپک را تهدید می کرده است، در حتم کنند. به دنبال این وقایع کشورهای عضو اوپک به تکیه با افتادند و ما به اسفند سال ۱۳۴۲ یک کنفرانس فوق العاده تشکیل دادند. این کنفرانس قیمت پایه نفت اوپک را به ۲۹ دلار کاهش داد و دستف تولید اوپک را به میزان ۱۷/۵ میلیون بشکه در روز تعیین نمود و سهم هر یک از کشورهای عضو مشخص کرد. امیربایلیسم بیکار نشدند و از عوامل طرفداران خویش در اوپک خواستند تا برای کاهش بیشتر بهای نفت اقدام کنند و برخی دیگر از اعضای اوپک را به طرق گوناگون به افزایش تولیدی و سهم تعیین شده تشویق کردند و با مجبور ساختند.

در اوایل سال ۱۹۸۴ با افزایش نوسان در قیمت پایه نفت انحصارات امیربایلیستی مجددا دست یگار شدند اینبار نیز ابتدا از وزیر بعد انگلستان قیمت نفت دریای شمال را کاهش دادند. ایران، عربستان سعودی و امارات متحده نیز از قبل به چنین اقدامی مبادرت کرده بودند، نتیجه نیز قیمت نفت خود را پایین آوردن مسأله باعث اعتراض سایر اعضای اوپک شود و برخلاف اوپک تصمیم به تشکیل اجلاس فوق العاده گرفت. اعضای اوپک در آذرماه سال ۱۳۴۲ (اکتبر سال ۱۹۸۴) جلسه تشکیل دادند و طی آن به بررسی وضع موجود پرداختند. حاصل این اجلاس این شد که اوپک سقف تولید خود را از ۱۷/۵ میلیون بشکه به ۱۶ میلیون بشکه در روز کاهش دهد. سپس در ماه ۴۳ (دسامبر سال ۱۹۸۴) کشورهای عضو اوپک در یک اجلاس دیگر دست به ابتکار رجالی زدند و تصمیم گرفتند سهم تولیدی و فروش نفت تمام اعضاء را با تشکیل یک کمیته از عا ی اوپک کنترل نمایند. این اجلاس قیمت پایه نفت اوپک را مجددا ۲۹ دلار تثبیت کرد و توافقا قیمت سایر انواع نفت را معین ساخت. علیرغم اختلاف عمده اعضای اوپک و کارهای سیاسی و مسایل اقتصادی مختلفی که برای هر یک از آنها مطرح است اوپک توانست در اجلاس اخیر خود فعلا بر مشکلات فائق آید و به نظرسری و احادیبیرا من میزان تولید و سطح قیمت برسد. موفقیت اوپک در مقابل مشکلات اخیر به مربوط است که اعضای آن تا چه میزان به تصمیمات اتخاذ شده پایبند باشند.

سرنوشتی نمیری

نیروهای مسلح سودان در روز ۱۷ فروردین حفر نمیری را که در مسافت آمریکا بسرمی بردرکنار نمودند. رهبر کودتا پارلمان و حزب حاکم سودان را منحل و قانون اساسی را منحل اعلام نمود. کودتای نظامی در سودان زمانی صورت گرفت که مردم وسیعاً به یاریا رخته و علیه رژیم مستبد دیکتاتور نمیری به تظاهرات وسیعی دست زدند و موسسات دولتی، بانکها و شرکتها ی خصوصی را مورد حمله قرار دادند.

رژیم دیکتاتوری نمیری در شرایطی که مردم با فقر و فلاکت دست به گریبان بودند به فشار حرج بشوش معاون رئیس جمهور آمریکا متذوق بین المللی بول که اعطاء وام جدید درخواستی سودان را منوط به پذیرش شرایط خود کرده بود، تن داد و سوسیست مواد غذایی از جمله تن را برداشت. این امر منجر به افزایش شدید قیمت کالاهای اساسی در سودان برای تن صورت بود که با گرفتن قرض جدیدی توانست مشکلات اقتصادی کشور را حل کند و چند صباح دیگر سر مسند قدرت باقی بماند.

مردم با وجود اینکه حکومت جدید وعده های بی منسی مباحلاحتی در عرصه های اقتصادی و سیاسی می دهد، اما عتراضات خود ادا می دهد و خواستار برکناری نظامیان و روی کار آمدن حکومت غیرنظامی و دموکراتیک هستند. رهبران اتحادیه ها و اتحاد نیروهای ملی با رهبران حکومت کودتا وارد مذاکره شدند تا آنها را وادار سازند که به برگزاری انتخابات پارلمان و حکومت منتخب مردم تن بدهند. مردم سودان خواستار آن هستند که کشور را از میراث رژیم حکومت دست نشانده نمیری رها یی یابد و به استقلال و آزادی برسد.

خمینی: "خدا فرموده برید جنگ کنید ما هم رفتیم، نصرت و شکست هیچ فرقی نمیکند"

۵۵ هزار ایرانی طی این عملیات کشته و ناپدید شدند. علاوه بر آن عملیات بدین‌صورت خود ادامه گرفته و گذشته دور رژیم را نیز بی اعتبار کرد و حمله به مناطق غیرنظامی در کشور با بمب و توپخانه آغاز شد و همچنین آوازه دادها در روزها و روزها گشته و زخمی بیجا می‌گذازد و صدها خانه و مغازه و موسسه را ویران می‌کند. حال رژیم جنایتکار و صدام کشتار مردم بی‌دفاع ایران را وسیله کرده است تا رژیم خمینی را به دفاع نشینی وادارند و رژیم خمینی با کشتار مردمی بی دفاع عراق و موثک با آن بنیادها مقابله به مثل می‌کند. این هم از نتایج دیگر دیوانگی سران جمهوری اسلامی است.

قبل از فتنه تازه خمینی بلندگوهای امپریالیستی از یک طرف بطور مداوم ایران و عراق را با هم مقایسه می‌کردند و از این مقایسه نتیجه می‌گرفتند که مقاومت و ایستادگی بیروزی ایران در جنگ دراز مدت بیشتر از عراق است. از طرف دیگر اینطور وانمود می‌کردند که از تحویق حمله جمهوری اسلامی حیرانند. ما با آنها گفتیم که ما میریالیسیم آمریکاییا خواهان حفظ "تعادل" موجود بین دور زیم برای ادامه جنگ است و به رژیم خمینی اجازه نخواهد داد که این "تعادل" را به زیم نقشه امپریالیسیم بهم‌بزنند. عملیات بدین‌صورت را نیز بی‌گرمی از جانب فوق‌الذات انجام دادند. در واقع هدف تبلیغات امپریالیست‌ها تحریک سران رژیم به حمله تازه و بهره‌برداری از شکست‌ها بود. حال که فتنه کار ساز شد و آتش جنگ دوباره زبانه کشید و مرحله تازه در جنگ آغاز شد، ما شین تبلیغات امپریالیست‌ها علل شکست رژیم و بیروزی صدام را یکی‌کوی می‌کنند و از آن نتیجه می‌گیرند که همانا بی‌تغریب عراق و تسلیحات غربی عامل بیروزی آن و محاصره تسلیحاتی ایران توسط امپریالیسیم عامل شکست آن بوده است. هدف این دلیل تراشی ما تفهیم بیشتر این نکته به رهبران خائن رژیم است که کلید بیروزی آنستادن در زرادخانه‌های بی‌تاکون قرار دارد. تا بدین وسیله سران رژیم را به تسلیم تام و تمام به مواضع وسیاست امپریالیسیم بکشانند. در همین راستا بسود که شولتزر حرف‌های تروزی خمینی را نوعی "تعادل" در مواضع او رونویسی "آما دگی" او برای مذاکره ارزیابی کرد.

مردم ایران خمینی و همدستان جنایتکار او را به خاطر قتل عام ده‌ها هزار ایرانی در کنار دجله و در باطلاح‌های هویزه نخواهد بخشید. سو استفاده از احساسات مذهبی مردم و سرکوب نمی‌توانند سران رژیم را از تنش خشم و نفرت مردم نجات دهد. سران خائن رژیم بدتر از طاغون شده اند و بیش‌تر از آن مردم را کشتار می‌کنند. همانا خوبی که رژیم خمینی به راه انداخته است، به سوی جماران راه می‌گشاید. رژیم با آدامه جنگ گور خرد می‌کند. شعله‌های دشمن سوز توده‌های علیه جنگ افروزیهای رژیم علیه سربازان موجودیت آن از اعماق زبانه می‌کشند و فروزا آتش می‌شود. مردم علیه جنگ، علیه خمینی و علیه جمهوری اسلامی بی‌امی می‌زنند و با عزم و رزم دشمن‌شکن خود صلح و آزادی و بهروزی را در میهن برقرار می‌سازند.

تدند. میلیون‌ها انسان در اردوگاه‌های شکنجه و کوره‌های آدم‌سوزی از زمین رفتند. عده‌بیشتری در میان راه‌های هوایی تلف شدند، انبوهی از مردم دور از جبهه‌های جنگ بر اثر گرگرسنگی و فلکات جان باختند. بخش وسیعی از دستاوردهای بشری بر اثر جنگ نابود شدند، صدها شهروندان روستا و ویران گشته‌اند و میلیون‌ها انسان بی‌خانمان شدند. انبوهی از سوسات صنعتی، هزاران کیلومتر راه آهن تصدات، بیمارای از واحدهای کشاورزی در طعمه آتش سوختند. اکنون که چهل سال از جنگ دوم جهانی می‌گذرد، سایه شوم جنگ بار دیگر بر زندگی مردم جهان سنگینی می‌کند. امپریالیسیم جهانی به سرکردگی امپریالیسیم آمریکا با آدامه زدن به ما بقسمه تسلیحاتی، استقرار موشک‌های هسته‌ای میان بی‌سرد در اروپای غربی و با راه‌انداختن "جنگ ستارگان" بشریت را به آستانه جنگ هولناک هسته‌ای سوق می‌دهد.

دولت‌ریگان و متحدین آن به نقش تصمیمات تاریخی "یالتا" و "پوتسدام" دست زده و بار دیگر، علیه سوسیالیسم و برابری گردانند تا ریختن "جنگ طلیبی" راه انداخته‌اند.

مردم جهان جنایات فاشیست‌ها و ممالک جنگ را با گوشت و پوست خود لمس کرده‌اند و همین خاطر تمام قوا در مقابل سیاست‌های عدالت‌طلبانه

مارکسیسم؛

درفش آزادی و بهروزی و فضیلت بشر

با فرا رسیدن روز ۱۵ اردیبهشت ماه ۱۳۴۴ سال از تولد کارل مارکس اندیشه بردار کبیر سوسیالیسم علمی و سازمان‌نگری بر جسته نبره کارگران علی‌بسه سرمایه می‌گذرد. کارل مارکس در همکاری نزدیک با فردریک انگلس بنیادهای تئوری و سیاست جنبش کمونیستی و اصول انترناسیونالیزم پرولتری را بنا نهاده و ریزی کردند که پرچم بیگنا سرترک طبقه کارگر علیه سرمایه و بی‌بشاهه سلاج بردنده بشریت و بهروزی و نیروها و اندیشه‌های ارتجاعی می‌میرتده است. در دوران حیات مارکس، آموزش‌های وی در عرض آزمون قوا گرفت. موج انقلابی که در سال ۱۸۴۸ پرکوشورهای اروپا چیره گشت و به دنبال آن کمون پارین به‌شاه به مظهر بارز ستیز و آشتی ناب‌بیسری تضاد میان پرولتاریا و بورژوازی، تجارت تاریخی مشخصی بودند که صحت اندیشه‌های مارکس را نشان دادند. سه پس از مرگ مارکس، با بیروزی مارکسیسم که به وسیله لنین بزرگ و سایر آدامه دهندگان مارکس تعمیق یافت مشخص می‌شود. بیروزی انقلاب کبیرا کتسوا ستقرا سوسیالیسیم در تصدای از کشورهای و تشکیل سیستم جهانی سوسیالیستی، فرو پاشی نظام استعماری و راه‌های انبوهی از مصلحت تحت سلطه و افزایش نقش طبقه کارگر در کشورهای سرمایه‌داری، تحسم عظیم و عینی بیروزی اندیشه‌های مارکس، انگلس و لنین می‌باشد. امروز در کشورهای سوسیالیستی استقامت را نشان از انسان محوشده زندگانی زحمتکشان بر اثر پیشرفت‌های اقتصادی بهبود یافته و از بسبب‌های و شور و شانی دیده‌نمی‌شود. در این کشورها اقتصاد با رشد موزون و بدون بحران پیش می‌رود. سیستم سیاسی سوسیالیسیم کترش می‌باشد و دمکراسی سوسیالیستی تکامل پیدا می‌کند.

نیروی حیاتی مارکسیسم در خصیلت علمی، در ماهیت طبقاتی پرولتری و در آرمان‌های والای آن بر اعره‌های و بهروزی بشریت نهفته است. مارکسیسم دشمن آشتی ناب‌بیسری، بهره‌کشی، ستم تبعیض ملی و نژادی و جنسی و پرچم برافراشته راه آزادی و بهروزی و فرهنگ و فضیلت بشر است. آموزش مارکس در هر محیط تاریخی و در هر مقطع جدیدی از پیشرفت جامعه و هر چه زود طبقه کارگر و خلق‌های جهان تکامل یافته است. لنینیسم برجسته‌ترین نقش را در غنا بخشیدن به گنجینه مارکسیسم داشت.

لنین با صراحت تمام با ثبات رساننده کارگزاران تزلزل‌ناپذیر و بدون سازش بر تئوری و متدلسوزی مارکس، غنی ساختن آنها با کمک تجارب تاریخی و مطابق منطق درونی آنها آموزش یگانه راه درک کار بست و کترش خلقتا نه مارکسیسم است. امروز در میهن ما مارکسیسم آماج تیرهای زهر آگین سرمداران تاریک اندیش رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی قرار دارد. سران رژیم کبیرا اندیشه‌های مترقی و با لندنه به ستیز برخاسته‌اند و براندیشه‌های کهنه و پوسیده تکیه دارند. از این‌بست مارکسیسم " در ایران صحبت می‌کنند. گردانندگان رژیم که در خدمت کلان تاجران و بزرگ مالکان قرار دارند، همزمان و هم‌زمان با امپریالیسیم جهانی، جنگ طلیبی علیه مارکسیسم و مارکسیست‌ها راه انداخته و از زدن هرگونه اتهام واقفان با بی‌بسی نندارند. آنان در صفات روزنه‌ها و مشا و نشریات خود را از مقالاتی برمی‌کنند که مشحون از تحریف‌های مارکس و لنین و آکنده از دروغ برداری در مورد ساختمان سوسیالیسیم در کشورهای سوسیالیستی است. تلاش‌های پاسداران آیین‌های کهنه و ارتجاعی نخواهد توانست دشمنان را بر اندیشه‌های تاب‌بسیک مارکس و آدامه دهندگان راه او وارد سازد. زندگی نشان داده است آنچه در بریا زودا زحیات جامعه ما محو و نابود خواهد شد حیات تنگین اندیشه‌های ارتجاعی و پاسداران آنهاست. ایران ما نیز چون همه جهان در راه صلح، استقلال، دمکراسی و سوسیالیسیم پیش‌خواهد رفت. در بین زندگی امروز در چشم انداز شوهمند فردا حقا نیت و بیروزی اندیشه و آرمان مارکس به خطی درخشانتر از آفتاب حک شده است.

جمله‌های سالگرد بیروزی و فاشیسم بقیه از صفات اول خاک و عمیق اراضی روسیه نیز نمی‌توانست یک رژیم سوسیالیستی را در بریا برتجا وری که در تاریخ نظیر نداشت از شکست نجات دهد. در مراحل اولیه جنگ، مشکلات عظیم و طاقت‌فرسای دا منگیر مردم و دولت اتحاد شوروی شد. ارتش هیتلر تا عمق خاک اتحاد شوروی پیش‌رفت و به شدیدترین وجهی مراکز مگونی صنعتی و وسایل ارتباطی را بمباران و لنین گراد را محاصره نمود و به مگوسید. ولی مردم اتحاد شوروی با ایستادگی نظیر دودر جریان شیره‌های عظیم به دشمن‌فریات کاری وارد آوردند. و به‌گامی‌های بزرگ مان‌شل آمدند. و سرانجام ارتش اتحاد شوروی با فاشیسم هیتلری را در ماه مه ۱۹۴۵ و میلیتاریسم ژاپن را در سیمتاً بر همان سال بطور نهایت با روما ساخت. بدین‌سان ثابت گردید که در جهان نیرویی وجود ندارد که بتواند دشمنان را گرا نقدا انقلاب کتسوا را برود شوروی و زحمتکشان سراسر جهان باز نمانند. نقش رهبری حزب کمونیست اتحاد شوروی نیرو و تحسیرک بی‌سابقه اقتصاد سوسیالیستی، کرده آمدن مردم شوروی به دور حزب، قهرمانی توده‌های وارد خلیل نا پذیر مردم اتحاد شوروی در دفاع از میهن و سوسیالیسم در بیروزی تاریخی بر فاشیسم نقش تعیین‌کننده داشتند.

جنگ ممالک و خسارات بی‌شماری برای مردم جهان و بی‌وزنه اتحاد شوروی بی‌آورد. فاشیست‌ها جنایات دهشتناکی در حق انسانها مرتکب شدند. پنجاه میلیون انسان بیگناهان خود را دست دادند. در اتحاد شوروی از هر خانه‌ای حداقل یک نفر قربانی

پایدار باد صلح جهانی

از نبرد فدائیان خلق

فداییان خلق ایران، علیرغم جویلیسی و خفانی که رژیم خمینی بر میهن ما مسلط ساخته است با بیگیری و هوشیاری و ظایف انقلابی خود را در آگاه کردن مردم و در سازمان دادن بیکار و بزرگ خلق علیه رژیم انجام می دهند. این فعالیت انقلابی بروز و نقش فداییان خلق در جنبش کارگسری و توده ای افزوده می افزاید. نمونه های زیسر گوشه ای از فعالیت سراسری فداییان خلق را نشان می دهد:

نارس:
شهرهای شیراز، آذربایجان، اقلید، کازرون، نورآباد مرودشت و... همه روزها هدف فعالیت وسیع تبلیغاتی فداییان خلق است. هم میهنان ساکن شهرهای فوق به دلیل بخش وسیع و گسترده روزنامه کار، اعلامیه ها و تراکت های سازمان در جریان موضوع سازمان ما بیرون مسایل مختلف کشور و منطقه سکونت خویش قرار می گیرند.

در ماه های بهمن و اسفند و آذر ماه های بخش سازمان دهها هزار تراکت و اعلامیه سازمان را در نقاط مختلف شهر شیراز جمله کوی زهرا، فلکه و لیسعصر، میدان شهرداری، فلکه گاز، چهارراه قلیو و... بخش کردند و با استقبال مردم مواجه شدند. عابین تراکتها و اعلامیه های سازمان را به سرعت از روی زمین برداشته و با خود می بردند و عافا و حدیث را از تلاشی از ارگانهای سرگوبیا خبر می کردند. بیک راننده تاکسی می گفت: "یکی از این اعلامیه ها را به دیدوری شیشه ماشینم سپاردم. تا همه مردم بفهمند خمینی چه وعده های داده بود و حالا چه می کند". بعضی از کارگران می گفتند: "این تازه اول کار است فدایی ها وقتی شروع کردند دیگر به این سادگیها ول کن نیستند."

فداییهای کشته شده فشاگران:
فداییان خلق در اربعه با اعتصاب ذوب آهن

به دنبال اعتصاب کارگران تهران ذوب آهن افغان و واحدهای انتشاراتی و بخش سازمان در سراسر کشور برای انتشار ربه موق اخبار و مبارزات کارگران بخصوص ذوب آهن کارگری و اقیاء همه جانبه اقدامات فداکارانه و رژیم خمینی تلاشی کرده است. آقا نمودند. رزمندگان فدایی موق شدند در جلب حمایت دیگر کارگران از اعتصاب ذوب آهن موفقیت های درخور توجهی کسب نمایند. در تهران و واحدهای بخش سازمان تعداد دبشماره اعلامیه و تراکت در کارخانجات و واحدهای نظیر خودروسازان، لولسه و ماشین سازی، شرکت ساسا، ایران یاس، بتون با تیمان، پایلیگاه تهران، فیات و شرکت واحد بخش نمودند. همچنین در کارخانجات ماشین سازی، آراک، ماشین سازی تبریز، نساجی ما زندان، نود آهوا و اعلامیه و تراکت های زیادی توسط رفقا بخش شد. بخش وسیع خبرا اعتصاب ذوب آهن همبستگی کارگران سراسر کشور را با اعتصاب ذوب آهن تقویت کرده و عقبت نشینی رژیم و پیروزی کارگران کمک شایانی کرد. این پیروزی تا شرفیاب ملاحظه ای در محیط های کارگری، کارخانجات و موسسات گوناگون برجای گذارد.

علاوه بر آن واحدهای بخش سازمان در میدان انقلاب تهران و در کچه مهران، خیابان جمهوری، سیدخندان و سینما استقلال اعلامیه های فراوانی در رابطه با اعتصاب ذوب آهن بخش کردند. شعار نویسی در این رابطه در شهرهای مختلف جای ویژه ای داشت. شعارهایی که نیروهای سازمان بردیوارهای پایلیگاه افغان نوشته بودند، رییس پایلیگاه را خشمگین ساخت و او را مجبور کرد در مقابل پرسش ما موران ساواک رژیم بگوید: "این شعار نویسی ها کار فدایی های ذوب آهن است"

تهران: ما گذشته دهها هزار اعلامیه و تراکت سازمان طی ماه گذشته فداییان خلق در نقاط مختلف شهر تهران بخش کردند. این تراکتها و اعلامیه ها بطور عمده در خیابانهای ما زندان، آعلی، انقلاب، میدان انقلاب، جمال زاده، سیمتری، شیخا دی، فرعی های فرانسه، کارگان، سعیدی، نظام آباد، ها شمی، قمرالدشت، سلیمان، میدان بروجردی، سی متری، جی، مولوی، و نامرخصو، قزوین، دورا هقیان، اما مزاده عبدالله، ایرانشهر جنوبی، یوسف آباد، بهارستان و... بخش و نصب گردیده است.

میزان بخش نشریه کار در حدی است که رژیم خمینی را سخت به وحشت انداخته است. به همبستگی دلیل است که رژیم بخشنا مهای متعددی جهت ضرورت کشف و تلاشی واحدهای انتشاراتی سازمان به ارگانهای گوناگون سرگوبی خود ما در کرده است. - چندی پیش یکی از واحدهای بخش سازمان، مقابله با فداییان اعلامیه ها و تراکت های سازمان

را از لای ساختن جها دسا زندگی در میدان انقلاب بطور وسیع بخش کرد.

همچنین رفقای رزمنده ما طی ماههای اخیر با رها در تقاطع خیابانهای آذربایجان و سلسبیل مقابله با فداییان انتشاراتی سازمان را از لای یک ساعت با یکسان بلند و شلوغ ترین ساعات روز بخش کردند. عابین بدون هیچگونه واحدهای اعلامیه ها را برداشتند و ببردند.

- بخش گسترده واحدهای بخش سازمان از روی بل سیدخندان کماکان ادامه دارد و با استقبال مردم مواجه می شود. چندی پیش که رفقا برای چندمین بار اقدام به بخش از لای بل سیدخندان کردند کمیته جی ها حدود یک ساعت بعد برای دستگیری آنها به محل رسیدند و دست از بل برداشتند.

- بخش وسیع اعلامیه های سازمان با مفا میسن گوناگون در آذربایجان و استقبال فساوران دانشجویان مبارز مواجه شده است. شعارهای زیادی هم روز توسط رفقا در نقاط گوناگون و دانشگاه های مختلف دانشگاه ملی نوشته می شود که انجمن اسلامی و مدیریت دانشگاه را سخت متشنج و عصبانی ساخته است.

- شعار نویسی در برفرفت و آمدترین مناطقی و محلات شهر تهران همچنان یکی از شیوه های افشاگران رفقای ما است. چندی پیش شعارهای سازمان در برف چنگ و استقرار ملج با خط درشت در میدان توپخانه نوشته شده بود که با تحسین عابین و بینندگان و استقبال آنها مواجه گردید. همچنین رزمندگان فدایی شعارهای بزرگ دیگری در چهارراه مصدق، خیابان مصدق حفاصل گمرک و منیریه، سی متری جی، اما مزاده عبدالله، هفت حوض نارنگ، نوب و سلسبیل نوشتند. همچنین توسط واحدهای تبلیغاتی سازمان در خیابان مولوی شعارهای با خط بسیار درشت که از فاصله دور جلب توجه می کردند نوشته شد. دستیا چکی کمیته جی ها برای پاک کردن شعار مزبور باعث شمشیر خوردن مردم شده بود. بعلاوه واحدهای بخش سازمان هزارها برگسب به شعارهای سازمان روی آن نقش بسته است و در تقاطع گوناگون از جمله توپسوها، باجهای تلفن، تابلوهای راهمایی و غیره نصب نمودند.

- بخش اعلامیه ها و تراکت های سازمان در سینما همچنان ادامه دارد. چندی پیش در سینما آزادی (شهر فرنگ سابق) در پایان فیلم سانس (۵ - ۳) تعداد زیادی از اعلامیه های سازمان بخش شد. این اعلامیه ها با استقبال تماشاچیان سینما مواجه شد. ما مورین حکومتی بلافاصله در برفا بستند و به کنترل مردم پرداختند ولی کاری از پیش نبردند. - چندی پیش در میدان انقلاب تعدادی با دکنک که روی آنها شعارهای سازمان نوشته شده بود به هوافرستاده شد این اقدام توجه عابین را جلب کرد. مردم از اینکارهای گوناگون فداییان خلق در طرح شعارها و خواستهای مردم استقبال کردند و به این اقدامات با تحسین می نگرند.

- طی ماههای اخیر واحدهای سازمان ما در محدوده فعالیت خود بطور چشمگیری در طرح بموقع خواستها و مطالبات و انگاس اعتراضات و اعتصابات کارگران و زحمتکشان و افشا رژیم خمینی فعال بودند. در زیر گوشه های از این تلاش انقلابی فداییان خلق در تهران برای آگاهی خوانندگان انتشار می یابد:

در تراکتی که با عنوان "پیروزی اعتصاب کارگران کارخانه لاستیک و کفش سازی جم که توسط فداییان خلق در یکی از نواحی تهران انتشار یافت و بطور وسیع بخش گردیده است" دیگر روزی نیست که در اینجا و آنجا در مناطق مختلف کشور، در کارخانه ها و روستاها، مردم زحمتکش کشور ما به خاطر حقوق حقه خود علیه ظلم و جور رژیم ارتجاعی حاکم اعتراض نکنند. شما کارگران قهرمانان در پیشاپیش خلقهای میهن ما پرچم نبرد اعتصابی خود را برافراشته اید. بیروز در دستان و ساسان و امروز در مجتمع ذوب آهن و ایران ابزار اوچم

- در تراکتی با عنوان "با تمام قوا از نبرد اعتصابی کارگران ذوب آهن افغان حمایت کنیم" توسط رفقای ما در تهران انتشار یافته است: "پس از اعتصاب کارگران دستانیت در سال گذشته و اعتصاب کارگران شرکت ساسا در نیمه تابستان امسال، اینک پرچم نبرد اعتصابی طبقه کارگران ایران توسط برادران رزمنده شما در ذوب آهن افغان به اهتزاز درآمده است. با تمام قوا، با ترتیب دادن اعتصابات با برگزاری حرکتها و نمایش های همبستگی، به حمایت از مبارزه اعضای کارگران ذوب آهن برخیزید."

- تراکت دیگری در تهران با عنوان "مردم صلح طلب ایران، برای پایان دادن به این جنگ بی فرجام و برقراری آتش بس و صلح علیه ارتجاع حاکم مبارزه کنید." توسط فداییان خلق انتشار یافت و بطور وسیع بخش گردید. در این تراکت آمده است: "متحد شویم و با تمام نیرو و امکانات و با استفاده از تمامی ابزارها در جلوی ادامه جنگ را بگیریم"

- سرانجام فداییان با عنوان "فروش سببام کارخانجات به کارگران خیمه شب بازی جدید ارتجاع حاکم" و "قانون شورا های اسلامی کار، سند تسلط ارتجاع حاکم بر سازمانهای کارگری است. علیه این قانون اعتراض کنید" از جانب رفقای رزمنده و انقلابی انتشار یافت و به میزان قابل ملاحظه ای در کارخانجات و مجامع کارگری بخش گردید.

فداییان خلق در لرستان، در حمایت از نظا هرات و اعتراضات مردم درود علیه مسئولان حکومتی و امام جمعه شهر که از میان بزرگ مالکان و کشتکاران سرمایه داران است اعلامیه های انتشار دادند. در این اعلامیه آمده است: "حرکت مردم درود امری تقاضای و تقاضای نبوده، بلکه ما ابتدا اعتصاب کارگران ذوب آهن افغان، اعتصاب کارگران هفت تپه و کشت و صنعت کارون و اعتصابات متعدد سایر رزمندگان کارگران و زحمتکشان ایران نمونه ای است از مبارزه مردم ما علیه بیکاری، گرانی، جنگ، فساد، تجاوز و اعدام و شکنجه زحمتکشان و مبارزان ایران توسط حکام ریاکار و وعده شکن جمهوری اسلامی..."

هرمگسان:
فعالیت انقلابی فداییان خلق در هرگز سبب رگسرتده و چشمگیری است. طی ماههای اخیر هزاران تراکت و اعلامیه در رابطه با مشکلات و مسایل مردم تقاطع گوناگون استان منتشر و بخش شده است. فداییان خلق در شهرهای بندرعباس، بندر لنگه، مینسب، همچنین جزیره قشم و حاجی آبا دفعا لیتهای تبلیغی گسترده ای را سازمان دادند و اعلامیه ها و نشریات سازمان را بطور گسترده بخش کردند. در بی اعتراض و تحمن زنان یکی از محلات بندرعباس در استان داری که به دلیل بی بی قطع مکرر آب صورت گرفت، فداییان خلق در بندرعباس با انتشار اعلامیه های حمایت خود را از آنان اعلام داشتند. در این اعلامیه آمده است: تحمن زنان زحمتکش محله "پستی ها" هشدار است به مسئولین که به جای طرحهای آب رسانی، متخصصین و کارشناسان آب را جهت طرحهای جنگی (طرح سلمان) به جیبها اعزام می کنند."

از ادعا تا واقعیت

حکام خاش جمهوری اسلامی علیرغم روجانگاری تبلیغاتی، بدو راجشم مردم میهن ما، رابطه با آمریکا را روز بروز گسترش بیشتری می دهند. سند زیسر به خوبی شما نگارین واقعیت است و به هیچ شرح و تفصیلی نیابت ندارد.

جمهوری اسلامی ایران
با تک ملت

موضوع: ثبت سفارش جهت واردات کالاها گواهی
مبداء آمریکا

بدینوسیله متن نامه شماره ۱۵/نا/۱۸۴۰۰ مورخ ۶۳/۸/۲۲ با تک مرکز جمهوری اسلامی ایران (اداره نظارت ارز) جهت هرگونه اطلاع و اقدام لازم ارسال می گردد.

اداره کل امور بین المللی
به موجب نامه شماره ۲۲۱۸ مورخ ۶۳/۴/۷ نخست وزیر و پیرو بخشنامه شماره ۱۵/نا/۱۱۲۰۰ مورخ ۶۳/۲/۱۱ ثبت سفارش جهت واردات کالاها گواهی مبداء آمریکا در شرایط اضطرار در شرایط اضطرار در اول اسفندماه ۱۳۴۴ در مقابل آرایه موفقتنا مکنتی وزیر مربوطه بلائامع می باشد.

خواهشمند است مراتب را به کلیه شعب ارزی خود ابلاغ فرمایید.

اداره نظارت ارز
مسعود با مداد
شیرعلی میر

موضوع نامه شماره ۲۲۱۸ مورخ ۶۳/۴/۷ نخست وزیر و پیرو بخشنامه شماره ۱۵/نا/۱۱۲۰۰ مورخ ۶۳/۲/۱۱ ثبت سفارش جهت واردات کالاها گواهی مبداء آمریکا در شرایط اضطرار در اول اسفندماه ۱۳۴۴ در مقابل آرایه موفقتنا مکنتی وزیر مربوطه بلائامع می باشد.

خواهشمند است مراتب را به کلیه شعب ارزی خود ابلاغ فرمایید.

اداره نظارت ارز
مسعود با مداد
شیرعلی میر

از میان گزارشها

وحشت رژیم از مبارزه کارگران

هر روز که می گذرد حکام خائن جمهوری اسلامی برای بقا و خودپا اقدامات "امنیتی" جدیدی متوسل می شوند. آنها که با خشم و اعتراض گسترده کارگران مواجه اند، مذبحخانه تلاش می کنند جنبش کارگری را سرکوب کنند، با این هدف به هر شیوه کثیفی تن می دهند و از هیچ عمل فاشیستی گریزان نیستند. اخیراً ساواک خمینی طی بخشنامه ای به واحدهای صنعتی بزرگ اعلام داشته است تا مواظبان افرادی که به تازگی در این واحدها استخدام شده اند باشند. در این بخشنامه آمده است، افراد مجردی که چیدما به استخدام کارخانه درآمده اند، باید تحت نظر قرار گیرند و رفت و آمد آنها وساعات مرخصی آنها کنترل شود.

همچنین مطابق اطلاعات موثق، ساواک خمینی علاوه بر ماوران خوددرا درنجمن های اسلامی ماورین دیگری را تحت عنوان کارگران ساده درکارخانه هسا بکار می گمارد تا درتشکلهای کارگری سازمانهای سیاسی انقلابی نفوذ نمایند و درجریان مبارزه کارگران اختلا ایجاد کنند.

باز هم اخیراً از طرف "ساواک" خمینی بسمه کارخانجات مختلف بخصوص کارخانجات تحت پوشش دولتی اعلام گردیده است که "وضع غیرعادی است" و کارخانجات مزبور باید با مصالح بسیج کارگری واحدهای تنگبنا مسلح تشکیل دهند.

کارگران به درستی می گویند رژیم قصد دارد با ایجاد واحدهای از این قبیل درکارخانجات اعترافات و مبارزات ما را سرکوب کند. در بسیاری از کارخانجات این اقدام فذک کارگری حکومت محکوم شده و کارگران به افسانه آن پرداخته اند.

اعتصابات و اعتراضات کارگری

دروغ - طبق گزارشهای رسیده در تاریخ ۱۱ دی ماه ۱۳۶۳ کارگران کارخانه سیمان درود برای خواستهای صنفی خود دست به اعتصابی زنده. مسئولان مجلسی و مدیران کارخانه به دست و پا می افتند و سراسیمه با سداران درود را برای سرکوب اعتصابیون بسمه کارخانه می فرستند، با سداران از هرگونه معطل خشونت آمیز خودداری می کنند و دستور سرکوب کارگران را نمی پذیرند. گویا مسئولان مجبور می شوند از شهرهای اطراف با سدارانی را به محل اعزام کنند و از ماوران شهرهای استفاده کنند. در پی این وقایع سیع تعدادی از سداران محلی دستگیر شده اند.

اهواز - در واحدهای لوله اهواز که ۳۰۰۰ نفر کارگر دارد، کارگران به دلیل کمی حقوق و تعویض مسئولین کارخانه دست به اعتصاب زدند. ما شهر - کارگران سیلوی ما شهر به دلیل عدم پرداخت پاداش وعیدی توسط مدیریت واحد مزبور دست به اعتصاب زدند.

تهران - در کارخانه "جنرال" کارگران بخاطر اذافه دستگیری و اعتصاب کارکنان، سیاه سداران برای دستگیری نماینده کارگران کارخانه را محاصره کرد. کارگران برای جلوگیری از هراقدمی توسط سیاه سداران کارخانه مانده اند و اعتصاب براتا روز بعد ادامه داده اند.

هفت تپه - کارگران کشت و صنعت هفت تپه - خوزستان، چندین بار در اعتراض به کمی دستمزد، مساله مسکن و بهای آب و برق خانه های سازمانی دست به اعتصاب زدند.

تهران - در روز شنبه ۱۸ اسفند نزدیک به ۴۰۰۰ تن از کارگران و کارمندان راه آهن درمحفل کارخانجات راه آهن گرد آمدند. آنها در این گردهمایی با طرح برخی از مطالبات خوبیش رسیدگی فوری به آنها را خواستار شدند. از جمله خواسته های کارگران دریافتین خوار بار بود که چندی پیش از آن قطع کرده اند. خاموشی مدیر کل راه آهن که در این گردهمایی حاضر شده بود کوشید اجماع کنندگان را از پیگیری مطالبات بازدارد. او که به پرسشهای کارگران پاسخ های بیبرمی داد، از جمله گفت بن خواربار به این دلیل پرداخت نمی شود که ۴۰ میلیون تومان بودجه مربوطه به جهاد سازندگی و امادیه است (خاموشی که پس از سخنرانی قصد خروج از محل را داشت، توسط کارگران متوقف گردید. آنها ضمن تصحیح این عمل، از او خواستند تا فوراً برای دادن بن خوار بار اقدام نماید. قاطعیت و یکپارچگی کارگران و دیگر کارکنان راه آهن خاموشی را به تسلیم واداشتند و بسمه ناگزیر خواسته های آنها را پذیرفت. دو روز بعد در بیستم اسفند بن خوار بار پرداخت گردید.

بهرچند - در معدن قلعه زری این شهرستان قریب دو هزار کارگر زحمتکش به کار مشغولند. علاوه بر اینکه این کارگران را به نحوی لجام گسیخته است شمار کرده و از هرگونه حقوقی محروم کردند.

چندین ماه متوالی از پرداخت دستمزد ما هانه شان نیز خودداری کردند. این وضعیت که بسمه کارگران غیرقابل تحمل بود، اعتراض شدید آنها را برانگیخت. در پی این مسئولین متقبل شدند که برای پرداخت دستمزدهای معوقه اقدامی عاجل انجام دهند.

انزلی - در تاریخ ۲۵ بهمن کارگران اداره گمرک بندر انزلی برای افزایش دستمزد و طرح دیگر مطالبات دست از کار کشیده و اعتصاب کردند. آنها سپس در سطح شهر دست به راهپیمایی زدند و درحالیکه شعار "مرگ بر آمریکا" می دادند در جلوی اداره گمرک متحصن شدند. این حرکت خشمگین کارگران، مسئولین را هراسان کرده و ادارشان ساخت تا بپذیرند هرچه سریعتر برای افزایش اقداماتی صورت دهند.

پورد - کارگران کارخانه بافندگی یزدیاف در شهر یزد برای دریافت پول شهار روزانه، به کم کاری سازمان یافته دست زدند. کمکم کارگران یزدیاف همزمان با اعتصاب بزرگ ذوب آهن امقان آغاز شد و تا دو ماه طول کشید. مسئولین که در آغاز گمان می کردند این حرکت اعتراضی چندان به درازا نخواهد کشید، بسمه خواست کارگران توجهی نشان ندادند. اما در پی استواری کارگران بالاخره پس از دو ماه ناگزیر شدند به خواسته آنها گردن نهند. آنها متعهد گردیدند که فقط برای کارگران کارخانه یزدیاف، بلکه برای تمامی کارگران کارخانه های یزدیاف روزانه ۲۰۰ ریال پول شهار منظور نمایند.

شهر ری - بدنیا اعلام کاهش روزانه ۳۰۰ ریال از دستمزد ما هانه کارگران کارخانه جیت ری، این کارگران در روز سوم اسفند ۶۳ دست از کشیدند. آنها ضمن بستن درهای کارخانه ورود و خروج را تحت کنترل خود در آوردند. این اعتصاب پس از مدتی با پیروزی خاتمه یافت. علاوه بر اینکه طرح کاهش دستمزد لغو گردید، حقوق روزهای اعتصاب نیز پرداخت شد.

اعتراض کارگران نفت تهران

چندی پیش در پی اعتراض کارگران واحد بخش نفت تهران در رابطه با ضرورت تشکیل سندیکا و سایر تشکلهای کارگری در این واحد، ملاقاتی بین چند تن از آنها و مدیر واحد پیش نفت صورت گرفت. کارگران در این ملاقات خواستار مجوز برای ایجاد تشکلهای شدند. مدیر واحد مزبور در مقابل با فشاری کارگران گفت: اصلاً این حرف را نزد چوون مساله سیاسی است و من نمی دانم از کجا آب می خورد!

اعتراض و کم کاری در بخشهای گوناگون کارخانه تهران رو به گسترش است در بخش آزمایشگاه و کارخانه تهران درگیری شدیدی بین کارگران و کارکنان معترض که کم کاری می کنند و سرپرستان قسمتها وجود دارد.

کارگران کارخانه تهران بر ضرورت ایجاد تشکلهای کارگری از جمله سندیکا با فشار می کنند. انجمن اسلامی به دلیل مخالفت با اعتراض و مبارزه کارگران در رابطه با مسایل صنفی شان، شدیداً مورد تنفر آنهاست.

اعتصاب رانندگان کامیون در بندر عباس

بندر عباس - در صبح روز ۱۴ اسفند حدود ۲۰۰۰ تن از کامیونداران در محل ترمینال بندر عباس واقع در ۱۰ کیلومتری این بندر گرد آمدند و دست به اعتصاب زدند. به این ترتیب حمل و نقل کالا از این بندر متوقف گردید. اعتصاب اعتراض به اختلال ستاد هماهنگی امور حملونقل توسط وزارت راه و ترابری، آغاز شد.

این حرکت اعتصابی مقامات را به تکاپو انداخت. معاون وزارت راه و مسئولین مجلسی ناچار شدند در جمع اعتصاب کنندگان حاضر شده و اعلام نمایند خواست آنرا را مبنی بر آدامه کار ستاد می پذیرند. اعتصاب با این پیروزی خاتمه یافت.

چندی پس از آن و به پراکنده شدن کامیونداران ۴ تن از فعالین اعتصاب توسط سیاه زاندارمری دستگیر و زندانی شدند.

فعالیتهای ساواک رژیم در دانشگاه

حکام خائن جمهوری اسلامی که از گسترش مخالفتها و حرکات اعتراضی در دانشگاهها به هراس افتاده اند، از عناصر نجمن اسلامی دانشگاهها و مدارس بعنوان جاسوس و ساواکی استفاده می کنند. در پی افزایش فشارها بر معتمدین تربیت معلم هاشمی نژاد واقع در درگاه تهران، مسئولین با صدور ابان که مجدداً به عناصرا نجمن اسلامی که نقش ساواک در دانشگاهها را بازی می کنند، چنانچه داده اند که شهباطهای دانشجویان را با زورسی کنند. این حرکت بی شرمانه ناراضی و مخالفتهای شدید دانشجویان را برانگیخته است. در این موسسه

حتی استفاده از ادب و ضبط صوت نیز منع شده است! و علیرغم مخالفتهای دانشجویان هفته ای دوبار سهمیه برنج غذا خوری آنها را به جبهه اختصاص داده اند.

اعتراض دانش آموزان به شهریه مدارس

تصمیم رژیم مبتنی بر گرفتن شهریه از محصلین، اعتراضات آنرا و خائو ده شان را برانگیخته است. این امر با توجه به وضع اقتصاد ادی تا سفاک مردم باعث شده تا در مناطقی که اولیاء دانش آموزان قادر به پرداخت شهریه نیستند، کلاسها منحل شده و دانش آموزان از تحصیل محروم گردند.

در آستانه اشرفیه اداره آموزش و پرورش شهریه ای معادل ۱۲۰ تومان در ماه برای دانش آموزان تعیین کرده است. در پی این امر چندین کلاس دوره آما دگی تعطیل شد.

در دبیرستان پیام تهران، (منطقه ۸ آموزش و پرورش) بسیاری از شاگردان سال چهارم که نتوانند پرداخت شهریه را نداشتند از مدرسه اخراج شدند. در شهر پی محصلین مدرسه راهنمایی شبانه رجبی طی نامه ای به اداره آموزش و پرورش بسمه تعیین شهریه برای محصلین اعتراض کرده و عدم توانایی خود را ز پرداخت شهریه اعلام نمودند.

همچنین دانش آموزان مدرسه ایراندخت تبریز به درخواست مسئولان مدرسه مبتنی بر پرداخت شهریه اعتراض نمودند. مسئولان تهدید کرده اند که در صورت عدم پرداخت شهریه، آنها را اخراج خواهند کرد.

گسترش عدم امنیت در کشور

جنايت دزدی و تها و زبه عنف در سراسر سیمین ما روز بروز گسترش می یابد. جان و مال و ناموس مردم بهیچ وجه در امان نیست. مردم شهرها در عبور و مرور شبانه بهیچ وجه امنیت ندارند. سیمین از افراد کمبته ها و دیگر ارگانهای سرکوبگر رژیم خود اذاعضای باندهای جنایتکار رندوبه قتل و غارت واخادی از مردم شنو شدند.

بر اساس گزارشهای رسیده اخیر در شهر اراک چندین مورد قتل و تها و زما شده است. این امر خشم مردم اراک را برانگیخته است. مردم که می بینند عوامل حکومت خود در این ماجراها دست دارند نتوانند نیستند ما خودمئل روزهای اول انقلاب حفاظتش را بهیچدی گیرییم. در اوایل دی ماه راننده یک سواری در جوادیه تهران که در ساعت ۱۰ شب متوجه ایست با سداران شده بود با شلیک گلوله های آنها کشته شد. مقتول درجه دار ارتش بود. این واقعه باعث اعتراض ساکنین جوادیه شده است. تنفر خود را از این اعمال غیر انسانی حکومت اراک نشان دادند.

واقعه ای در جاده های ما سال گذشته در مجیدیه تهران روی داد. ماجرا از این قرار بود که گلوله های کمیته جی ها باعث مرگ خانم راننده ای که صدای ایست آنها را شنیده بود، شد. این جنایت خشم و اعتراض شاهدین را برانگیخت.

همچنین چندی پیش در شهر کرمان در هنگام نور بسیج جوانی که دریا لکن منزلشان ایستاده بود مورد اصابت گلوله با سداران قرار گرفت و کشته شد. به دنبال این امر مردم کرمان نسبت به ماجرا جویای افراد سیاه و بسیج در هر سلب امنیت و اختلال در کارگسیب و زندگی شان اعتراض کردند.

بندر عباس - نیمه اول اسفند مردم بندر عباس شاهد حرکات به غایت اوباشانه گروههایی بودند که مسئولین تحت عنوان مبارزه با بیججایی روانه خیابانها کرده بودند. از روزهای هفتم تا دوازدهم اسفند دهها تن از وابستگان بسمه ارگانهای سرکوب به خیابانها ریخته و زنان و مردان رهگذر را مورد تهاجم قرار داده و تعداد بسیاری را مجروح و مفروب کردند. سازمانها کن این اوباش گیری احمدی اما جمعه، دودی دهان شریع و نیز دادستان این بندر بودند.

تهران - در اسفندماه اکیبی از با سداران به مدرسه ای دخترانه در خیابان نظام آباد شالی ریختند. بدستور آنها، مدیر مدرسه دانش آموزانی را که به زعمشان لباس تنگ پوشیده بودند اضا حار کرده و لباسهایشان را باقیچی پاره کردند. این واقعه بر نفرت دانش آموزان از رژیم دامن زد. با زتاب آن افزایش شا رنویسی علیه رژیم در مدرسه در روزهای بعد بود.

تایباد - در این شهر کوچک مرزی و روستا های اطراف مثل دیگر نقاط اشرار افغانی که بطور همه جانبه توسط ارگانهای دولتی حمایت می شوند، با شرارتهای خود روزگار مردم راسیه کرده اند. آنها شبها به روستاها حمله کرده و دار و ندار کشاورزان را غارت می کنند. تاکنون در روستاهای تایباد تعداد بسیاری به خاطر مقاومت در برابر غارتگریهای آنها کشته و مجروح شده اند. مهاجمین اعضای شناخته شده و مسلح باندهای ضد انقلابی افغانی هستند.

